

انتخابات

عرصه حاکمیت وعده‌ها یا ارزش‌ها؟



روح الله توحیدی نیا
عضوهیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



@k_entekhabat

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



جهاد تبیین (۱۵)

انتخابات

عرصه حاکمیت وعده‌ها یا ارزش‌ها؟

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام
نماینده ولی فقیه در سپاه



جهاد تبیین (۱۵)

انتخابات

عرصه حاکمیت وعده‌ها یا ارزش‌ها؟

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
همایندگی ولی فقیه در سپاه

نویسنده:	روح الله نوحیدی نیا
ناظر علمی:	سیامک باقری چوکامی
سرپرستار:	حسین قاسم حمزه
ویراستار:	؟؟
واپایش نهایی:	عبدالرحمن حیاتی اصل

ناشر:	زمزم هدایت
صفحه‌آرا:	روح‌الله جلالی
طراح جلد:	محمد عرب‌احمدی
ناظر چاپ:	ابراهیم اسماعیل‌زاده

چاپ:	مرکز چاپ سپاه
قطع:	پالتویی
نوبت:	اول / ۱۴۰۲
شمارگان:	۵۰۰۰
قیمت:	۷۶۰۰۰ تومان

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی (دورشهر)، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۳۷۷۳۰۷۳۵ - ۰۲۵ / همراه: ۰۹۱۴ ۲۵۴ ۲۸ ۸۷

حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر
برای انتشارات زمزم هدایت محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول

انتخابات؛ نگاهی بنیادین/۱۷

- گفتار ۱ نگرانی‌ها از میزان مشارکت یا روی کارآمدن اصلح ۱۹
- از تجربه‌های پیشین انتخابات و عبرت‌گیری، غفلت کرده ایم... ۲۱
- مساله اصلی: نسبت مردم سالاری دینی با فضای انتخابات است ۲۳
- گفتار ۲ اختلال در فضای انتخابات و منشأ آن در فرهنگ غرب ۲۷
- مردم سالاری دینی چه نسبتی با اندیشه‌های رقیب دارد؟ ۲۷
- میزان تاثیر الگوهای سیاسی بر برگزاری انتخابات ۲۹
- نفوذ آفت‌های نگرش غربی در انتخابات ایران ۳۱
- گفتار ۳ وعده محوری؛ چیستی و نشانه‌ها ۳۵
- چگونه انسان، معرفت و فرهنگ از حقیقت تهی می‌شود؟ ۳۵
- چگونه نگرش غربی بر فضای سیاسی کشور سایه انداخته است؟ ۳۹
- وقتی «وعده‌ها» در فضای انتخاباتی کشور حاکم می‌شوند ۴۱
- گفتار ۴ ارزش محوری؛ چیستی و نشانه‌ها ۴۵
- ارزش محوری در فضای انتخابات ۴۶
- اضلاع ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران ۴۸

فصل دوم

انتخابات؛ نگاهی به میدان عمل/۵۳

گفتار ۱ آسیب‌های وعده محوری؛ تحریف و تخریب ۵۵

- ۵۵..... وعده محوری و میدان دادن به تحریف حقایق
- ۵۸..... وعده محوری و میدان دادن به تخریب
- ۶۳..... گفتار ۲ آسیب‌های وعده محوری؛ اختلال در تصمیم‌گیری
- ۶۳..... وعده محوری و نسبت آن با فضای هیجانی
- ۶۶..... کارکرد هیجان در حاکمیت وعده‌ها و ارزش‌ها
- ۷۱..... گفتار ۳ ارزش محوری و حل‌گره مشارکت و انتخاب اصلح
- ۷۱..... ارزش محوری و آوازه دستاوردها
- ۷۴..... ارزش محوری و نقش اراده الهی در تحقق امور
- ۷۷..... ارزش‌ها، تضمینی برای تحقق وعده‌ها
- ۷۹..... تحقق مطالبات اصلی مردم در گرو حاکم شدن ارزش‌ها است
- ۸۰..... ارزش‌ها و اطمینان از کارگزاران اصلح
- ۸۳..... گفتار ۴ تاریخ انتخابات و فرصت کنونی حاکمیت ارزش‌ها
- ۸۴..... مقابله با نگرش‌های سکولار و لیبرال
- ۸۹..... حاکمیت وعده‌های اقتصادی و اجتماعی بر فضای ایران
- ۹۰..... عروج شهید رئیسی و فرصت حاکمیت ارزش‌ها

فصل سوم

مشارکت و انتخاب اصلح؛ چرا و چگونه؟ / ۹۵

- ۱۰۰..... گفتار ۱ چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟
- تاکید بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و وعده‌ها، بازی در زمین دشمن است. ۱۰۰.....
- تنفس در فضای وعده محوری، مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت ۱۰۲.....
- پزیشانی و نقصان در پاسخ به طرفداران عدم مشارکت ۱۰۴.....
- تصویر روشن از ارزش‌های انقلاب اسلامی ۱۰۶.....
- ۱۰۹..... گفتار ۲ به چه کسی رای دهیم؟
- راهکار ۱. شناسایی نامزدها با تاکید بر شخصیت‌های تجربه شده و معیار ۱۱۲.....

راهکار ۲. نوع مواجهه با موضوعات در دو سطح ارزش محوری و وعده محوری.....	۱۱۸
۱. نوع مواجهه با مشکلات از قبیل تورم، فاصله طبقاتی و....	۱۱۹
۲. نوع مواجهه با افشار گوناگون مردم	۱۲۰
۳. نشانه‌های تحرکات ارزش محور نامزدها و حامیان شان و تحرکات وعده محور.....	۱۲۱
پیوست ۱. جمع بندی نموداری (قابل ارائه به صورت سخنرانی و قالب‌های مشابه).....	۱۲۱
پیوست ۲: بهره مندی از محتوای کتابچه در ارتباط چهره به چهره	۱۲۶
پیوست ۳: مواجهه رسانه‌ای با الگوی «حاکمیت ارزش‌ها یا وعده‌ها».....	۱۲۷
منابع و مأخذ.....	۱۳۱

مقدمه

از مهم ترین و حساس ترین موضوعات و رخداد‌های کشور که با مدد «جهاد تبیین» به سرمنزل مقصود رسیده و سبب دورماندن ملت ایران و به ویژه نخبگان از جنگ روانی دشمنان می گردد، «انتخابات» است. در فضای انتخابات، تردیدها و دودلی‌ها افزایش می یابد. در جمع مردم و یا نخبگان، بگومگوها بیشتر شده و در بیشتر موارد گریهی وجود دارد که عموم از گشودن آن، ناتوان یا کم توان هستند و بنابراین زمینه برای نفوذ و تاثیرگذاری دشمنان و ایادی داخلی شان، فراهم می شود؛ و اینجا میدان اصلی جهاد تبیین است. از این رو است که رهبر معظم انقلاب، همواره در اثنای برگزاری انتخابات‌ها، خود نیز در کنار راهبری امور، به شکل جدی به میدان آمده و به تبیین موضوعات مطرح در فضای جامعه، اهداف مشخص دشمن، وظایف مسئولین و دست اندکاران، چند و چون عملکرد نامزدها، ملاک‌ها و شاخصه‌های انتخاب اصلح و... می پردازند.

اما امروز، با آنکه مسیر و حرکت انقلاب، با رهبری الهی امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری، هرگز دچار تزلزل و رخوت نشده است، نمی توان انکار کرد که زمینه‌های نفوذ دشمن در عرصه انتخابات به طور کامل از بین رفته است؛ به عکس تحرکات دشمنان نشان از تداوم امید واهی شان در ضربه زدن به ملت و نظام از این طریق

دارد. نفس اینکه فضای انتخابات، گاه برای معاندین نظام و یا فرصت طلبان و غفلت‌زدگان در داخل کشور، به منزله فرصت تلقی می‌شود، نشان می‌دهد که فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام باید با دقت در ارتباط با فرهنگ حاکم بر انتخابات مورد توجه قرار گیرد؛ آنجا که فرمودند: «اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند و اگر باطل نیز خود را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت».^۱

کتاب پیش‌رو، مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، که «شرکت در انتخابات را به معنی رأی به ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌دانند»، تدوین شده است. درک این موضوع می‌تواند مولفه‌های «مردم سالاری دینی» را در مظهر آن، یعنی انتخابات، محقق سازد؛ همچنین، از آفت‌ها و آسیب‌های این رویداد بزرگ و موثر، جلوگیری کرده و «مشارکت حداکثری مردم» و «انتخاب فرد اصلح» را تا حد بالایی تضمین نماید. هر یک از نخبگان، مسئولین و عموم مردم با وجود چنین نگرشی، می‌توانند به تحقق «ارزش محوری» در فضای انتخابات و به زیرکشیدن «وعده محوری» حاکم، که ریشه در فرهنگ انتخاباتی غرب دارد، کمک شایانی کنند. به ویژه در شرایط کنونی و با شهادت شهید خدمت، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رئیسی، که باز هم رهبری معظم انقلاب او را مظهر ارزش‌ها خواندند، امکان بیشتری برای درک اهمیت این موضوع و جاری شدن این فرهنگ در جامعه وجود دارد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

بنابراین موضوع اصلی نوشته پیش‌رو، دوگانه انتخابات «وعده محور» و «ارزش محور» است. اینکه هر یک از این دو در چه فضایی شکل می‌گیرد و چه تاثیری بر میزان مشارکت مردم در انتخابات و انتخاب فرد مورد نظرشان دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کلید حل بخش مهمی از آفت‌ها و آسیب‌های انتخابات در کشور، ایجاد گفتمان و دیدگاهی فراگیر بر اساس این دوگانه است. ساختار نوشته حاضر با عنایت به جوانب گوناگونی چون روش، فواید و کارآمدی مباحث، در سه فصل ارائه شده است. از یک سو، ایده مطرح شده در کتاب حاضر، ریشه در الگوی مردم‌سالاری دینی و مقایسه آن با الگوهای رقیب حاکمیت مردم دارد. پس از طرح مشکل و تبیین مساله، در گفتار نخست این فصل، در گفتار دوم به چستی دموکراسی غربی و تاثیر آن بر فضای انتخابات ایران پرداخته می‌شود؛ و گفتار سوم و چهارم اختصاص به تبیین مقصود از دوگانه ارزش محوری و وعده محوری و نسبت آن با مبانی غربی و اسلامی خواهد داشت.

فصل دوم اما ناظر به فضای انتخابات و تاثیر دو فضای ارزش محور و وعده محور بر انتخابات است. در این فصل نگارنده علاوه بر به دیدگاه امامین انقلاب ناظر به اهمیت و سازوکار مدیریت فضای انتخابات و جلوگیری از آفت‌های احتمالی آن نظر دارد. برای نمونه نشان داده خواهد شد که وعده محوری چگونه با زمینه‌چینی برای تخریب‌ها و تحریف‌ها، اعتماد مردم را مورد خدشه قرار داده و سطح مشارکت را پایین می‌آورد و چگونه با کمک به

فضای هیجانی، قدرت تصمیم‌گیری را از مردم می‌گیرد. در مقابل، نشان داده می‌شود که چگونه در وضعیت حاکم بودن ارزش‌ها، هم اعتماد مردم، افزایش یافته و مشارکت لازم محقق می‌شود و هم وعده‌ها با برخورداری از ضمانت اجرا، منجر به بالارفتن دقت شرکت‌کنندگان در انتخاب اصلح می‌شود. فصل سوم اما ورودی مصداقی‌تر و ناظر به مساله روز کشور یعنی مشارکت و انتخاب اصلح است. در این فصل تلاش می‌شود از طریق نمودارها و جداول ارائه شده، توضیح داده شود که چگونگی از طریق ایده ارائه شده در دو فصل پیشین، می‌توان جامعه را به سوی مشارکت و انتخاب اصلح هدایت کرد.

اشاره شد که نوشته پیش‌رو هدفی کوتاه‌مدت و بلندمدت را دنبال می‌کند. هدف کوتاه‌مدت، استفاده از فضای موجود کشور به دنبال عروج شهادت‌گونه رئیس‌جمهور مخلص و خدمتگزار است. فرصتی که برای ملت ایران و تمامی نهادها و شخصیت‌ها برای تحول فکری در فرهنگ انتخاباتی به وجود آمده، باید مورد استفاده قرار گیرد. هدف بلندمدت، زمینه‌چینی برای سخن به میان آوردن از تغییر در برخی سازوکارهای انتخابات و فضای انتخاباتی با روشن شدن فاصله کنونی انتخابات با صورت مطلوب آن است. نگارنده معتقد است اگر معنای حقیقی برکات شهادت شهید رئیسی را می‌طلبیم باید به این نکته مهم و اساسی توجه شود که پس از او و بارخ نمودن جلوه‌های حقیقی و اصلی شخصیت و اقدامات او، بر هر انسان منصف و حقیقت‌بین روشن گشته که او یکی از

نمادهای ارزش محوری در تمامی حرکات و سکناتش بوده است. و اکنون، این فرصت بیش از هر زمان دیگری به وجود آمده تا گفتمانی که عامل اصلی و مؤثر در مشارکت سیاسی و انتخاب‌های مردم را وعده‌ها و شعارها قرار می‌دهد و با تکیه بر هیجان‌ات مردم، هم مشارکت و هم انتخاب اصلح را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند، کنار زده شود. فرصت است تا با اتکا به استدلال و تجربه چند ده ساله ایران اسلامی در برگزاری انتخابات و همچنین اشاره به ابعاد شخصیت شهید خدمتگزار، درک شود که تحقق «برنامه‌ها و راه‌حل‌ها و وعده‌ها»، به‌ویژه در ساختار نظام اسلامی، قطعاً مشروط به تعریف شدن در ضمن ارزش‌ها و با مدیریت فردی ارزش محور، می‌تواند به تحرک و پیشرفت ایران اسلامی منجر شود.

اما هدف بلندمدت را نیز نباید از چشم دور داشت. فضای چند دهه گذشته مشارکت سیاسی و مهم‌ترین صحنه بروز و ظهور آن یعنی «انتخابات»، که چند و چون آن در تعیین سرنوشت کشور و بلکه منطقه و جهان اسلام بسیار مؤثر است، فضای غلبه «وعده‌محوری» است و نشانه‌های آن در این نوشته بیان خواهد شد. تجربه‌ها گویا است که دشمن و ایادی داخلی آنها از چنین فضایی که قدرت مانور و نفوذ و تاثیر آنان بر فضای کشور را افزایش می‌دهد، بسیار راضی و خشنودند؛ و در داخل کشور نیز، خواسته یا ناخواسته ارکان و ابعاد و عناصر شکل‌گیری فضای انتخابات در همین مسیر و جهت فعال بوده و هست. تغییر این وضعیت، عزم و برنامه‌ریزی و اقدام در تغییر سازوکار برگزاری انتخابات را می‌طلبد.

وزارت کشور، شورای نگهبان، قوه قضائیه، صدا و سیما و تمامی دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات موظفند زمینه‌های لازم برای حاکم کردن «ارزش محوری» بر «وعده محوری» را در فضای انتخابات از طریق ابزارهای قانونی به‌وجودآورند.

در این بین، رسانه‌ها نقش مهمی دارند. با تفسیری که از چیستی و جایگاه «وعده‌ها» در نوشته حاضر شده است، جای تردید نمی‌ماند که رقابت بر سر وعده‌ها، الگویی است که از فضای مشارکت سیاسی در غرب سردرآورده است. به همین جهت، رسانه‌های خارجی نیز از این منظر و با اطلاع و تسلطی که از ابعاد این الگو دارند، امیدوارند تا مشارکت مردم را تحت الشعاع قرار دهند و در مواردی آنان را به سوی حمایت از یک نامزد یا نفی نامزد دیگر سوق دهند. امروزه، نفوذ نگرش وعده‌محوری به رسانه‌های داخلی نیز، کاملاً محسوس است. اگر اهمیت رویارویی نظام و فرهنگ «ارزش‌ها» و «وعده‌ها» در نوشته حاضر درک شود، حتی می‌توان بسیاری اقدامات رسانه‌هایی چون صداوسیما را در ارتباط با نامزدها و مردم در صحنه و فضای حاکمیت «وعده‌ها» تفسیر نمود. این تنها نمونه‌ای از وجود خلأ در یکی از عوامل موثر در فضای انتخابات بود. سخن اصلی این است که به نظر الگوی مناسب برای تحقق فضایی متناسب با «مردم‌سالاری دینی» وضع نشده و اجرا نمی‌گردد و می‌توان گفت، وضعیت کنونی انتخابات با آرمان‌های جمهوری اسلامی و هدفی که مردم‌سالاری دینی دنبال می‌کند، همخوان نیست.

در پایان بر چند نکته تاکید می‌شود:

۱. مخاطب نوشته حاضر، نخبگان، به معنی افراد و شخصیت‌هایی که نظر و گفتارشان بر روی دیگران مؤثر است، و همچنین، مسئولین و تصمیم‌گیران در تنظیم سازوکار و مدیریت فضای انتخابات، هستند. هرچند عموم تحصیل‌کردگان نیز می‌توانند از کتاب استفاده کنند.

۲. هدف اصلی نوشته حاضر، تحوّل در افکار، به عنوان راهبرد اصلی جهاد تبیین، است؛ و تحوّل فکری، نیازمند صبر و حوصله و تأمل جدی است. از این رو، انتظار می‌رود خوانندگان محترم با چنین دیدی به مطالعه کتاب حاضر بپردازد.

۳. با این حال تلاش شده است تا مطالب روان باشد. همچنین مطالب مهم متن، در کادرهای اصلی - که البته چستی و چرایی پیام آن باید در محتوای پیشین یا پسین دنبال شود- در سراسر نوشته، استفاده شده است.

۴. شایان ذکر است که تنها در صورت تامل و تدبیر لازم در فصل اول و دوم، از پیوست‌های متعدد فصل سوم (که در راستای جهاد تبیین و مشخصاً دو پرسش «چرا در انتخابات مشارکت کنیم» و «به چه کسی رای دهیم»، تنظیم شده است)، می‌توان به خوبی بهره گرفت.

۵. با همه توضیحات، بار دیگر تاکید می‌شود که طرح دوگانه ارزش محوری و وعده محوری، حاکم شدن ارزش‌ها بر وعده‌ها را و نه بی‌توجهی به وعده‌ها یا برنامه‌های اقتصادی اجتماعی و... را

دنبال می‌کند. با حاکمیت ارزش‌ها است که برنامه‌های جامع و مدیریت حرفه‌ای، به ارتقاء و پیشرفت کشور می‌انجامد. در پایان، از مجموعه اساتید، همکاران، دوستان ارجمند، و نخبگان فکری و فرهنگی که مخلصانه و متواضعانه و در مدتی بسیار کوتاه، در جهت ارتقاء محتوا، ساده‌سازی و کاربردی شدن پژوهش، فراهم آمدن زمینه نشر آن و همچنین، توزیع گسترده کتاب حاضر، به میدان آمده و خوش درخشیدند، به سهم اندک خویش تشکر می‌کنم.

روح الله توحیدی نیا

خرداد ماه ۱۴۰۳

فصل اول

انتخابات؛ نگاهی بنیادین

گفتار ۱

نگرانی‌ها از میزان مشارکت یا روی کارآمدن اصلح

در این گفتار با واکاوی یک مشکل، به یک مساله علمی و روش حل آن دست می‌یابیم.

«انتخابات» در کشور ایران، مایه افتخار و آبرو برای نظام اسلامی در سطح دنیا است و به دلیل تأثیر و نقش مستقیم بر حرکت کشور، جایگاه بسیار رفیعی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران دارد.

مردم با حضور گسترده خویش در انتخابات، درعین‌آنکه اصل نظام اسلامی را تأیید کرده و دشمنان را از خود ناامید می‌سازند، از این حق برخوردار می‌شوند تا فردی که توان لازم برای خدمتگزاری هرچه بهتر به آنان را دارد، به دستان خویش انتخاب کنند. هرچند قانون اساسی، رهبری را بالاترین مقام رسمی کشور و مسئول تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن معرفی کرده است، اما منتخب مردم در ایجاد و سازماندهی بدنه اصلی اجرایی کشور و تعیین چگونگی حرکت ایران اسلامی، نقشی حیاتی دارد.

با این حال، کمتر به این مشکل پرداخته می‌شود که جامعه از چه ویژگی‌ها برخوردار است که در ادوار گوناگون، نمی‌توان از میزان مشارکت پیش‌بینی مشخصی داشت و یا جامعه چه خصوصیتی دارد که به نامزدهایی از جریان‌ها با سلائق متفاوت و متضاد، اقبال نشان می‌دهد؟

چگونه است که برخی نامزدها و حامیان‌شان، شعار قانون سر می‌دهند اما در عمل، صریحاً برخلاف قانون عمل می‌کنند؟ یا نام امام راحل علیه السلام یا مقام معظم رهبری را به زبان می‌آورند اما به سمتی گرایش داشته و حرکت می‌کنند که تنها نامی از آرمان‌ها باقی می‌ماند؟ مشکل چیست که همواره این احتمال می‌رود تا صحنه انتخابات که می‌تواند نمادی برای شکوه ملت ایران با روی دست گرفتن مردم‌سالاری دینی باشد، تبدیل به مانعی در مسیر حرکت صحیح و پرشتاب ملت ایران می‌شود؛ امری که برکسی مخفی نیست و مصادیق واضح و روشنی در طول چند دهه عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارد.

این مشکل به نوعی مورد توجه مقام معظم رهبری نیز بوده است. در برخی موارد به شکل صریح به آفت‌های فضای انتخابات و هزینه‌هایی که به کشور متحمل می‌کند، اشاره کرده‌اند^۱ و گاه به طور غیرمستقیم اقدامات نامناسب در فضای انتخاباتی را از موضوعات مهم

۱. انتخاب صالحان: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره‌ی انتخابات، ص ۳۳۵-۳۱۰.

و قابل تأمل برشمرده‌اند. چنانکه در ضمن سخن به میان آمدن از ضرورت پرهیز از انتخاباتی کردن زود هنگام فضای کشور، فرمودند: «فضای انتخاباتی، انسان را از حقایق جامعه و نیازهای حقیقی جامعه غافل می‌کند»^۱؛ یا در جای دیگر، فضای انتخاباتی را بیشتر به فضای جنجال فکری تا مباحثات صحیح توصیف و نقد کرده‌اند و بیش از اندازه فضا و رسانه به آن اختصاص دادن را، نادرست و همراه با عواقبی برای کشور دانسته‌اند.^۲ ایشان تا حدی بر این فضا و آفات آن نقد دارند که حتی از تعبیر لزوم ترمیم زخم‌های دوران انتخابات پس از اتمام رأی‌گیری استفاده کرده‌اند.^۳ در همین جهت، این پرسش در طول سالیان گذشته بارها و بارها در محافل سیاسی دغدغه‌مندانه جبهه انقلاب مطرح شده است که چگونه می‌توان از شیرینی و حلاوت انتخابات به نفع نظام و مردم، اطمینان یافت؟

از تجربه‌های پیشین انتخابات و عبرت‌گیری، غفلت کرده ایم.

با آنکه ضرورت دارد تا نخبگان و فرهیختگان با مرور تجربه چند دهه گذشته، به چپستی و چگونگی امکان خارج شدن انتخابات از مسیر اصلی اش پاسخ دهند، عوامل گوناگون از جمله فضای رقابت جریانات فکری و سیاسی، مشغول شدن عناصر فکری به مسائل جانبی و فاصله میان فکر و نهادهای تصمیم‌گیر، مانع از چنین

۱. بی

۲. همان، ص ۳۴۴.

۳. همان، ص ۳۴۵.

امری شده است.

چه کسی بنا است تجربه انتخابات را بررسی و عبرت‌ها را به تصویر کشد؟ در پاسخ به این پرسش که تامل و تصمیم‌گیری درباره سیاست‌ها و برنامه‌های انتخاباتی در چه زمانی و توسط چه کسانی صورت می‌گیرد، باید گفت در یک نگاه کلی، برنامه ریزی و اقدام یا پیش از بازه زمانی برگزاری فرایند انتخابات صورت می‌گیرد و یا در حین این فرایند. با نزدیک شدن به فصل انتخابات، جریان‌های سیاسی و احزاب یا نامزدها و هواداران آنها، در هر سطحی - از متفکران شان تا افشار گوناگون-، بیش از هر امر دیگر مشغول به امور انتخاباتی و درصدد پیروزی در رقابت با دیگر جریان‌ها و افراد هستند. با برگزاری انتخابات، آنان یا به عنوان منتخب، به طور رسمی اداره امور کشور را به عهده می‌گیرند و یا با عدم رغبت اکثریت مردم به خود، این امکان را از دست می‌دهند؛ در این صورت نیز، تلاش‌ها صرف دنبال کردن اهداف فکری از مسیرهای غیررسمی محدود، نقد جریان حاکم و تامل درباره چگونگی بدست آوردن رای مردم در انتخابات بعدی، می‌شود. بنابراین، تجربه نشان داده است که در عمل این دسته توجه کمتری به خود انتخابات و جایگاه آن داشته و دارند.

اما در صحنه فکر و نظر، محققان چگونه به امر انتخابات می‌پردازند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، سطحی از محققان به ثبت و توصیف انتخابات‌های پیشین و یا چند و چون حضور احزاب، نامزدها و مردم در انتخابات می‌پردازند و بخشی دیگر از محققان،

نگاهی تحلیلی به واقعیت‌های انتخابات دارند و به موضوعاتی چون مردم‌سالاری دینی و نقش آن در نظام سیاسی اسلام، اهمیت مشارکت در انتخابات در چشم کشورها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، متغیرهای تأثیرگذار در سطوح خرد و کلان بر پیروزی یا شکست انتخاباتی، قوانین و مقررات انتخابات و موضوعاتی از این دست می‌پردازند. سطح سوم، محققانی هستند که به انتخابات و موضوعات مرتبط با آن از منظر فقهی پرداخته‌اند؛^۱ که در این موارد نیز سازوکارهای فضای انتخابات مورد توجه لازم قرار نگرفته است. بعلاوه یکی از مشکلات جدی که دغدغه‌مندان بارها بر آن تأکید کرده‌اند، دیواری است که میان عرصه فکر و تحقیق و عرصه عمل و تصمیم‌گیری درباره فضای انتخابات وجود دارد.

البته هنگامی که به غفلت از آفت‌ها و آسیب‌های انتخابات اشاره می‌شود، نمی‌توان از عاملی دیگر، یعنی کم‌توجهی محققان در شناخت سازوکارهای سیاسی الگو گرفته از غرب در عموم حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از جمله مشارکت مردم، یاد نکرد.

مسئله اصلی: نسبت مردم‌سالاری دینی با فضای انتخابات است

مسئله اصلی که باید در خصوص انتخابات روی میز قرار گیرد چیست؟ انتخابات، بنا است مظهر

۱ برای نمونه، رک: ایزدهی، مشارکت سیاسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶؛ شریعتی، انتخابات از نگاه فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.

مردم‌سالاری دینی باشد و باید دید آیا به‌واقع سازوکارهای انتخاباتی و فضای کنونی، با این اندیشه سازگاری دارد؟

در نظام ما، همچون دیگر نظام‌های سیاسی، الگویی برای بهره‌مندی از آراء مردم به‌کارگرفته شده است. مردم‌سالاری دینی، که ریشه در فرهنگ اسلامی و تایید ائمه معصومان علیهم‌السلام در عصر حضور دارد^۱، پایه‌های انتخابات در ایران اسلامی را بنا نهاده و از ارکانی برخوردار است.

نخستین رکن، جایگاه خداوند و نسبت حکمت و تدبیر او با اراده انسان‌ها و جوامع است. خداوند منشأ اصلی قدرت و بنابراین قانونگذاری است و انسان، موجودی آزاد و مسئولیت‌پذیر است که با اختیار خود حرکت به سوی کمال یا ضد کمال را انتخاب می‌کند. بنابراین، اساس و مشروعیت حکومت، ریشه الهی دارد، اما آرای مردم نیز نقش مهمی در اداره حکومت ایفا می‌کند. در این صورت نقش انسان در سرنوشتش و رضایت او از حکومت، در چارچوب حاکمیت الهی تعریف می‌شود و مسئولیت فرد انتخاب‌شده ناشی از اعتقاد به معاد و در راستای سعادت انسان تعریف خواهد شد.

رکن دیگر مردم‌سالاری دینی، برابری همه انسان‌ها — به عنوان شهروند — در رای و نظرشان نسبت به حکومت است؛ در عین حال، رهبر امت اسلامی به‌دلیل جایگاه و مسئولیتی که در پیشگاه خداوند

۱ برای نمونه، رک: نهج البلاغه، نامه ۵۳، طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۲۵۳؛ همچنین، رک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۳۱۱-۳۱۳؛ رنجبران، بیعت و مشارکت سیاسی در اسلام.

متعال و مردم دارد، به این رای و نظر و جاهت می‌بخشد. در این اندیشه هر ساختاری که در آن عدالت، قربانی منافع شخص و جمعی شود، جایی ندارد.^۱

رکن دیگر مردم‌سالاری دینی، در ارتباط با جایگاه و تاثیر قانون متجلی می‌گردد. مردم در تعیین مجموعه‌ای از اصول و قواعد، چارچوب مشخصی برای سامان دادن به روابط قدرت در حکومت مشخص می‌کنند اما فرض بر این است که قوانین مخالفتی با قوانین الهی نداشته باشد. برای مثال انسان در محدوده قوانین از آزادی برخوردار است اما آن آزادی که مردم اقدامات خود را در محدوده اطاعت از خداوند متعال و به شکل مسئولانه تعریف کنند.

با توضیحی که از جایگاه خداوند و مردم و قوانین در نظام اسلامی گذشت، بار دیگر باید پرسید که چه نسبت و رابطه‌ای میان انتخابات و فضای حاکم بر آن با مردم‌سالاری دینی وجود دارد؟^۲ آیا در مشارکت سیاسی و انتخابات‌ها، نگرش الهی حاکم است؟ آیا در زندگی سیاسی مردم، روح شریعت حاکم است؟ آیا مولفه‌های مردم‌سالاری دینی^۳ چون عدالت‌گرایی و هدایتگری در انتخابات ظهور

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۰۹؛ مصباح یزدی و نوروزی، مردم‌سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، ص ۵۹-۶۰.

۲. شایان ذکر است که در برخی تحقیقات به اصل اهمیت و برخی ابعاد نسبت دین و رفتارهای انتخاباتی اشاره شده، اما نه از مسیر، روش و با هدف نوشته حاضر، برای نمونه از جمله این تحقیقات، رک: باریه، دین و سیاست در اندیشه مدرن، انتشارات قصیده سرا، ۱۳۸۴.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: دلیر، الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه، ص ۲۲۹.

و بروز پیدا می‌کند؟ این پرسش‌ها می‌تواند با تبیینی که از مشکل و نگرانی از مشارکت و انتخاب اصلح مطرح شد، ما را به سوی مسأله‌ای دیگر رهنمود سازد؟ فضا و فرهنگ انتخابات در کشور ما تحت حاکمیت چه امری است که در برخی موارد و از برخی جهات، صورتی غیرقابل کنترل پیدا می‌کند؟

باید تاکید کرد که بر مبنای گام دوم انقلاب اسلامی، طرح چنین پرسش‌هایی نه از سر انفعال و تجدیدنظرپذیری در اصول، بلکه از سر ناگواری وضعیت کنونی برای وجدان‌های آرمان‌خواه و برخورداری انقلاب اسلامی از انعطاف برای تصحیح خطاهای خویش در کنار حساسیت به نسبت به مرزبندی‌ها با رقیبان و دشمنان است؛ امری که مورد تاکید رهبری معظم در بیانیه گام دوم انقلاب است.^۱

۱ برای اطلاع بیشتر، رک: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران.

گفتار ۲

اختلال در فضای انتخابات و منشأ آن در فرهنگ غرب

اشاره شد که انقلاب اسلامی ایران درصدد عرضه الگویی از نظام سیاسی با عنوان مردم‌سالاری دینی بوده و هست و از این جهت، باور جدی به برگزاری انتخابات و رای مردم دارد. این موضوع با فهم نسبت این الگو با دیگر صورت‌های رقیب، بهتر نمایان می‌شود.

مردم‌سالاری دینی چه نسبتی با اندیشه‌های رقیب دارد؟

انقلاب اسلامی ایران در مورد به میدان آمدن مردم و ایفای نقش آنها در اداره کشور، الگوی مردم‌سالاری دینی را روی دست گرفته است؛ الگویی که با جمع ولایت خداوند متعال بر همگان و نقش آرای اکثریت مردم^۱، خود را از صورت‌های دیگر دموکراسی (به معنی حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در امور همگانی جامعه)، جدا می‌کند.

مردم‌سالاری دینی از یک سو الگویی رقیب برای اندیشه حاکم بر نظام سیاسی عمده کشورهای غربی یعنی لیبرال دموکراسی

۱. برای نمونه، رک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۳۸۰.

است.^۱ شکلی از دموکراسی غیرمستقیم یا دموکراسی بر اساس نمایندگی که اعتقاد به حقوق طبیعی و مدنی انسان و برابری حقوقی، سیاسی و قضایی همه شهروندان، دارد.^۲ یک تفاوت اساسی این است که در مردم‌سالاری دینی، مردم نقش اساسی در قوانین و سازوکارهای نظام دارند، اما این نقش به عنوان یک روش برای تحقق ارزش‌های الهی در عرصه زندگی سیاسی — اجتماعی تعریف می‌شود؛ در حالی که در الگوی رقیب، اساس مشروعیت و همچنین اهداف و تمامی جوانب ساخت نظام سیاسی مبتنی بر خواست شهروندان معنی پیدا می‌کند.^۳

مردم‌سالاری دینی مرزهای روشنی نیز با دو الگوی دیگر نظام دینی رادیکال و سکولار دارد. در نظام دینی رادیکال، نگاهی نوگرایانه به دین وجود ندارد، اما مرجعیت دین، هم در محتوا و هم در ساختار دخالت دارد؛ الگویی که تا حدی در کشور عربستان دنبال می‌شود. مردم‌سالاری دینی اما مبتنی بر فقه پویا و کارآمد، توان تحوّل و نوآوری دارد و در نتیجه، توازن در اجرای شریعت در همه سطوح اجتماعی و سیاسی وجود دارد. برخلاف الگوی رقیب که گاه با فشارهای داخلی یا خارجی مجبور به تحولاتی ناموزون در برخی اجزاء می‌شود؛ اما در در عمل حتی به مردم برای انتخاب در عرصه

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: رجبعلی، مولفه‌ها و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران، ۱۱۹.

۲. برای اطلاع بیشتر، رک: آقابخشی و افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۸۷.

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: لیپست، انسان سیاسی، ص ۳۴.

سیاسی وجود داده نمی‌شود.

و بالاخره، الگوی رقیب دینی دیگر، الگوی سکولار است؛ که نگاهی به تجددگرایانه به دین دارد و مرجعیت دین را تا حدی می‌پذیرد، اما عمومیت آن را ناممکن می‌داند. به این معنی که دین اگر در تبیین برخی ابعاد ارزش‌های زندگی سیاسی — اجتماعی نیز موثر باشد، اما در سازوکارهای سیاسی و قانونگذاری‌ها جایگاه موثری ندارد. الگویی که با تفاوت‌هایی در برخی کشورها چون ترکیه دنبال می‌شود و عملاً نقشی برای دین در کنار آراء مردم تعریف نمی‌شود.^۱ آنچه ذکر شد صرفاً نگاهی کلی و اولیه به انواع نقشی است که نظام‌ها برای مردم قائلند و هدف تنها توجه دادن به اصل تنوع و مرزها در این موضوع بود.

میزان تاثیر الگوهای سیاسی بر برگزاری انتخابات

اما تفاوت‌های اساسی که میان مردم‌سالاری دینی و دموکراسی وجود دارد آیا در صحنه انتخابات و فرهنگ انتخاباتی نیز تجلی و ظهور بروز دارد؟ از یک زاویه، می‌توان گفت با وجود قوانین و اداره کشور توسط رهبری معظم، میان آنچه در انتخابات ایران و کشورهای غربی چون آمریکا می‌گذرد، فاصله‌ای جدی وجود دارد.

انتخابات عمدتاً در جوامع غربی، نه تنها کارزار رقابت‌های سیاسی، که عرصه نفرت پراکنی نامزدها علیه یکدیگر و به گمراهی

۱. امینی، مؤلفه‌های پایه و شاخص‌های عینی در مردم‌سالاری دینی، ص ۱۳۵-۱۳۷.

کشاندن تعارض‌های شدید طبقاتی در جامعه امریکا است. به ویژه در مورد چند دهه اخیر که کارشناسان معتقدند از زمان رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰ تاکنون، هیچ‌گاه رؤسای جمهوری امریکا در قالب و اندازه این پست نبوده‌اند. تصریح شده است که جایگاه امثال آبراهام لینکلن (۱۸۰۹-۱۸۶۵) و تئودور روزولت (۱۸۵۸-۱۹۱۹) را امثال ترامپ و بایدن پر کرده‌اند که هیچ ابایی از دوشقه کردن جامعه شان مبتنی بر منافع شخصی و حزبی ندارند. آنان در این مسیر، هرچند شعارهایی می‌دهند، اما هیچ مرزی از اخلاق را برای پیروزی بر جریان رقیب، پیش روی خود نمی‌بینند. میان سیاست‌مداران آمریکایی در این نوع نگرش تفاوت چندانی نیست و وجه تمایز ترامپ این بوده است که بی‌پرده، خودمحوری و جهان‌گریزی و مقررات‌ستیزی جاری شده در فضای سیاسی غرب را به نمایش می‌گذارد. این فضای بی‌اخلاقی‌های سیاسی و گردن‌فرازی مقابل قانون اساسی سبب شده تا برخی تحلیل‌گران آمریکایی که روزی از سه امر مقدس قانون اساسی، پرچم و رئیس جمهوری سخن می‌گفتند، امروزه به تحلیل ناکارآمدی قوانین، آتش زدن پرچم و مورد استهزاء قرار گرفتن رئیس جمهور، مشغول شوند.^۱

در ایران اسلامی اما، عموم دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی و همچنین، بیشتر نامزدها و اکثریت مردم، همواره تحت رهبری و

۱ بیگدلی، شکستن مرزهای اخلاقی در انتخابات

امریکا (https://www.pishkhan.com/news/200946)

هدایت‌های امام راحل علیه السلام و رهبری معظم انقلاب، نسبت به تبدیل نشدن فضای کلی انتخابات به فضای درگیری و یقه‌گیری سیاسی و ازبین‌رفتن اتحاد و انسجام ملی و یا بی‌حرمتی نسبت به مقدسات یا میراث و آرمان‌های ایران اسلامی، حساس بوده‌اند. به‌طور خاص، همواره تاکید شده است که باید مواظبت کرد تا اختلافات سرریز در جامعه نشود.^۱ بعلاوه، کشور در طول چند دهه اخیر به خود روسای جمهوری را دیده است که مشی و اقدامات‌شان، یاد الگوی تمام نمای حکومت مطلوب، یعنی علی علیه السلام را از جهاتی زنده ساخته است. بنابراین، با وجود این مظاهر و نمادها، منصفانه نیست اگر فرهنگ انتخاباتی در ایران اسلامی را در تمامی ابعاد آن با انتخابات در غرب، مقایسه نماییم.^۲

نفوذ آفت‌های نگرش غربی در انتخابات ایران

در عین حال، نمی‌توان بر ضعف‌ها و خلل موجود در سازوکار و فضای انتخاباتی کشور، چشم بست و ریشه‌های آن را جستجو نکرد. به‌ویژه آنکه اختلاف‌ها در طول زمان، چه در مشارکت مردم و چه در روی کارآمدن جریانات سیاسی گوناگون، گاه به حرکت و پیشرفت

۱ برای نمونه، رک: بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47927>؛ ۱۴۰۰/۳/۶

همچنین، رک: رسولی و اخضریان، اخلاق انتخاباتی در اندیشه امام خمینی علیه السلام.

۲ برای نمونه و اطلاع بیشتر از وضعیت کنونی و آینده دموکراسی، رک: عظیمی،

دموکراسی و پوپولیسم، انتشارات آگاه، ۱۴۰۲.

کشور آسیب‌های جدی وارد آورده است.

ناکامی‌های جدی سیاست‌های برخی افراد انتخاب شده توسط اکثریت مردم، نشان می‌دهد که تا صورت مطلوب از انتخابات، که هم تمامی اقشار مردم، بدون هیچ استثنایی و با رغبت در انتخابات شرکت کنند، و هم در انتخاب خویش نیز به معنی واقعی کلمه، اسباب ارتقاء کشور را به وجود آورند، فاصله وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که تلاش‌هایی که در سطوح گوناگون برای برگزاری انتخابات با رعایت اخلاق و موازین شرعی انجام شده، کافی نبوده است و قوانین^۱، تاثیر لازم را در میزان و کیفیت مشارکت مردم و یا مدیریت کامل فضای انتخاباتی، ندارد. بنابراین از جهاتی می‌توان گفت فضا و فرهنگ انتخاباتی ما برآمده از روح مردم‌سالاری دینی نیست.

باید بدانیم که شکل اولیه و هماهنگ با جهان معاصر از سازوکار «انتخابات»، در فضای مدرنیته شکل گرفته است.^۲ به این معنی که نظریات علوم سیاسی در غرب، سازوکارهای فضای انتخاباتی را با نگرشی خاص، تعریف کرده و در کشورها به جریان انداختند. در عمده نظریات غربی توافق شده است که انتخابات، یک کارزار و مبارزه سیاسی همه‌جانبه و نفس‌گیر برای کسب قدرت سیاسی، آن هم در جهت منافع حزبی، است. در این نظریات،

۱. برای نمونه، رک: قانون انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۳۳

(<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91088>)

۲ برای اطلاع بیشتر، رک: آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۱۵۷.

تلاش‌ها برای تبیین نقش عناصر گوناگون سازوکار انتخابات همچون محیط، بازیگران، رأی‌دهندگان، قواعد و قوانین، توده مردم و رفتار آنان و... ضمن تعریف یادشده، معنی پیدا می‌کند و بر این اساس، محور تلاش نامزدها متقاعدسازی رأی‌دهندگان از هر طریق ممکن و در جهت خواست و رضایت گروه‌ها است.

در نبود الگوی انتخاباتی متناسب با فضای ایران اسلامی، خواسته یا ناخواسته انتخابات در کشور ما از صورت غربی تبعیت می‌کند؛ و اهمیت این موضوع وقتی دوچندان خواهد شد که بدانیم غرب نسبت به صدور یافته‌ها و سازوکارهای خود در عرصه سیاست به کشورهای دیگر، بسیار تمایل دارد.

چه آنکه تعریف کردن میدان انتخابات در کشورهای دیگر، به معنی امکان حداکثری برای استفاده از ظرفیت‌های موجود در آن، به دلیل تسلط و شناختی حداکثری که از آن دارد، است. در این صورت، انتخابات در کشور ما، به رغم آنکه نمایش مردم‌سالاری دینی دانسته می‌شود اما ممکن است به اهداف خود به شکل کامل نائل نیاید، حتی از جهانی می‌تواند به کوشش غرب برای تقویت نظام سلطه خویش نیز، مبدل گردد.

در یک نگاه انضمامی، تجربه ما در انتخابات‌های پیشین چه تصویری از فضای انتخابات ایران را به نمایش می‌گذارد؟ اگر در فضای انتخابات در کشورهای غربی مشاهده می‌شود که نیازهای اساسی مردم و به ویژه طبقاتی که کسب آراءشان می‌تواند نقش

کلیدی داشته باشد، در غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، سلامت و امنیت و رفاه به عنوان نقاط مورد تمرکز نامزدهای انتخاباتی قرار می‌گیرد، در کشور ما نیز به طور محسوس، مصادیقی از ابعاد چنین درک و اقدامی مشاهده می‌شود. اگر گفتمان انتقادی او با ما در بسیج سیاه‌پوستان، اسپانیائی‌تبارها و مهاجران و اقشار حاشیه‌ای جامعه آمریکا در سال ۲۰۰۲م، و گفتمان ترامپ در بهره‌گیری از ترس عمومی در به میدان آوردن اقتدارگرایان آمریکایی در ۲۰۱۶م، و یا گفتمان هواداران برگزیت و حزب محافظه‌کار انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپا در بهره‌گیری از ناامنی اقتصادی در مشارکت جوانان و سنتی‌ها، بر اساس تاکید صرفی که بر نیازهای اساسی و طبقات خاصی دارند بوده است^۱، در کشور ما نیز تعریف کردن فضای انتخابات در نیازهای اساسی مردم و حرکت دادن آراء آنها در همین خط، در ادوار گوناگون محسوس بوده است؛ و برای نمونه نمی‌توان شوق‌ها یا ترس‌هایی که برای برقراری رابطه با غرب به جامعه تزریق شده را، فراموش کرد.

بنابراین، می‌توان به نسبت میان مردم سالاری دینی و کارزار انتخابات در کشورمان، مردد باشیم. در بخش‌های بعدی، به زوایای دیگر مشابهت و همسانی فضای انتخابات در ایران و کشورهای غربی نیز اشاره خواهد شد؛ اما تا همین جا نیز روشن است که عبور از شرایط فعلی، نیازمند تعریف فضای کنونی و صورت بدیل آن است.

۱. برای نمونه، رک: قیصری، انتخابات و بسیج منابع؛ الگویی نظری در تبیین رقابت انتخاباتی، ص ۱۳۵.

گفتار ۳

وعده محوری؛ چیستی و نشانه‌ها

انتخابات در ایران اسلامی، با پذیرش تمامی وجوه مثبت و افتخارآمیز، از برخی آفات به دور نمانده است. اشاره شد که این آفات ریشه در سازوکارهای فرهنگ انتخابات در غرب دارد؛ اما زمانی عزم کافی برای تحوّل به وجود می‌آید که ریشه‌های این فرهنگ را یادآور شویم.

چگونه انسان، معرفت و فرهنگ از حقیقت تهی می‌شود؟

درک مطلوب فضا و فرهنگ انتخاباتی که از آن به وعده محوری یاد می‌شود، به شناخت اصول فکری و جهت گیری کلی در فلسفه سیاسی غرب برمی گردد و رهایی از آن جز با این شناخت، میسر نخواهد بود.

صد البته شناخت فرهنگ غرب، فرصتی مستقل می‌طلبد، اما می‌توان به برخی ابعاد و ریشه‌های تهی شدن این فرهنگ از حقیقت، اشاره کرد. یک بخش مهم این است که هر حقیقت دیده نشدنی، از اساس انکار می‌شود. بنابراین، جایی برای خدا و هر امر باطنی باقی نخواهد ماند، انسان خود را و آرزو و آمال خویش را به طور مستقل مورد توجه قرار می‌دهد و بنابراین اعتبار انسانی، در طبیعت و امیال

حیوانی محدود شود. او مانسیم یا اصالت انسان، که با غیبت غیب و زوال یاد الهی از ظرف آگاهی انسان زاده می‌شود، چیزی جز نفسانیت انسان غافل نیست و هنگامی که آدمی - به عنوان اصل برتر - در محور قانون‌گذاری قرار می‌گیرد، درستی و نادرستی تمام قوانین از طریق خواست‌ها و گرایش‌های او تعیین می‌شود و باید‌ها و نباید‌ها و واجب و حرام و تمام قضایای ارزشی از ناحیه اعتبار آدمی منزلت خود را بازمی‌یابد. همه حریم‌ها از ناحیه ذات انسان و به خواست و اراده او مشخص می‌شوند.^۱ بر این اساس، نقش انسان و اجتماع مردم در عرصه سیاست، صرفاً از فهم انسان مستقل از خالق او و با هدف تأمین نیازهای اساسی انسان در این دنیا، تعریف می‌شود.

از زاویه دیگر، منبع شناخت و معرفت نسبت به رخدادهای انسانی و اجتماعی نیز محدوده به حس‌گرایی می‌شود. تنها آن دسته از دریافت‌ها و آگاهی‌ها از جامعه که به گونه‌ای آزمون‌پذیرند، از ارزش علمی برخوردار می‌شوند. این مسئله افزون بر آنکه قضایای متافیزیکی را از حوزه علم بیرون رانده و فاقد اعتبار علمی می‌کند، گزاره‌های ارزشی را نیز با چشم‌پوشی از اینکه این گزاره‌ها به گزاره‌های متافیزیکی بازگردند، از اعتبار علمی ساقط می‌گرداند. با حاکمیت حس‌گرایی ایدئولوژی‌هایی که در چهره دینی یا غیردینی به صحنه سیاست وارد می‌شوند، مجال بروز نمی‌یابند و بدین سان، رفتارهای سیاسی جامعه، به گرایش‌ها و احساساتی که از تبیین

۱ پارسا، حدیث پیمان، ص ۱۴۲.

عقلی بی بهره اند، ارجاع داده می شوند.^۱ بنابراین، پایه نظریاتی که به توصیف جامعه و راه حل های مدیریت آن مربوط می شود، نسبتی با فهم و معرفت دینی ندارد.

می توان گفت اهداف، راه ها و روش ها در فرهنگ سیاسی غرب برپایه نیازهای دنیوی انسان، و راه حل ها برپایه تجربیات بشری تنظیم می شود؛ و در عمل، نمی توان انتظار تحقق اهدافی که از سوی طرفداران دموکراسی مطرح می شود را چندان جدی تلقی کرد. صلح و عدالت حقیقی هیچگاه تامین نخواهد شد و حتی می توان گفت دموکراسی هر روز از اهدافی که برایش تعیین شده، دورتر می شود.^۲ البته که آنان عقل را محور قرار داده اند، اما عقلانیتی که در پی جویی فردی منافع معین شده توسط افراد بشر و با هدف حداکثرسازی لذت و دوری از رنج، معنا پیدا می کند. این موضوع در تمامی ساحت های حیات اجتماعی غرب و از جمله انتخابات، خود را در تمامی نوشته ها و نظرات نمایان می کند و امری پوشیده نیست. به اعتراف بسیاری از صاحب نظران غربی، امروزه بهتر از هر زمان دیگری روشن شده است که تضمینی برای اینکه دموکراسی

۱. همان، ص ۱۴۷.

۲. برای نمونه: امروز رژیم های اقتدارگرایی که از لیبرالیسم اقتصادی برای گسترانیدن قدرت خود بهره می برد، تهدیدی روشن برای دموکراسی هستند... کنش دموکراتیک امروزه در حقیقت در حاشیه مستقر شده است... دموکراسی درخطر است و هیچ چشم انداز روشنی پیش روی خود ندارد(تورن، دموکراسی چیست، ص ۳۲۲ و ۳۲۳).

بتواند صلح و عدالت را برقرار کند، وجود ندارد^۱؛ و البته از منظر نگاه اسلامی تلاش‌های علمی برای تحوّل در صورت‌های دموکراسی، تغییری ایجاد نخواهد کرد. چراکه صلح و عدالت نسبتی با صاحبان لذت جو، رفاه‌پسند و خودخواه ندارد.

از این منظر، بسیار طبیعی است اگر فضای انتخابات در غرب، هرچند در قوانین توصیه به اخلاق می‌شود، اما در عمل با محوریت منافع بی‌قید و شرط انسانی افراد و گروه‌ها و آن هم از هر طریقی، تعریف شود. در این فرهنگ، برای به‌صحنه آوردن مردم و یا تصمیم‌گیری آنها نیز چاره‌ای جز تمرکز بر نیازها و مشکلات مردم در تامین نیازهای اساسی دنیوی شان نخواهد بود. اینجاست که چالش‌های اقتصادی و امنیتی که حیات و لذت دنیوی را به خطر می‌اندازد مردم را وادار شرکت در انتخابات خواهد کرد. و بدین جهت است که همه چیز برای در دست گرفتن فضای انتخاباتی در چگونگی استفاده از داده‌ها و اطلاعات، خلاقیت و مهارت در کنش‌ها و واکنش‌ها، چگونگی بهره‌گیری از زبان و قدرت آن و... خلاصه می‌شود و تمامی اطلاعات، روش‌ها، مهارت‌ها و امکانات در جهت طرح و ترویج وعده‌هایی برای تحول و تغییر به سمت خواست بخش یا طبقه‌ای از مردم رخ می‌نماید.^۲ هر شخص یا

۱. برای نمونه، رک: بشلر، دموکراسی، ۱۹۳-۲۱۳.

۲. برای نمونه، رک: Birch, Sarah, Our New voters: Brexit, Political Mobilisation and the Emerging Elgectoral cleavaye, 2016, p.110-111.

- Caughell, Leslie, when playing the womax card is playing trump: Assessint the efficacy of Framing Campaigns as Historic, 2016, p.735-737.

گروهی که منافع اقتصادی خود و حامیان را در انتخابات در خطر ببیند، از هر وسیله‌ای برای محدود کردن مشارکت مردم و یا اغوای آنها به منظور از دست ندادن مقام‌ها و جایگاه‌های سیاسی، استفاده خواهد کرد.^۱ برای نمونه در تحقیقات متعدد خارجی نیز در نقد روایت خوشبینانه از دموکراسی غرب تصریح شده است که تا زمانی که پول به راحتی می‌تواند قدرت را بخرد، همگان احساس می‌کنند که برابری سیاسی، شعاری توخالی است.^۲

چگونه نگرش غربی بر فضای سیاسی کشور سایه انداخته است؟

با وجود آنچه گذشت، نزدیک‌ترین خطر برای ما این است که فضای سیاسی حاکم بر انتخابات در غرب از جهاتی در فضای انتخاباتی ایران اسلامی نیز نفوذ پیدا کرده است.

برای نمونه از اینکه چگونه فرهنگ انتخاباتی غرب بر روی فضای انتخاباتی کشور ما اثر گذاشته، کافی است به فضای کلی رسانه‌های خارجی و برخی رسانه‌های داخلی متاثر از آنها و تاثیری که بر انتظار مردم از حکومت داشته اند، توجه کرد.

چنانکه برنامه‌های خبری، آموزشی، سرگرمی و... ماهواره‌ها و

- Jones, Jennifer, J, Talk "Like a Man": the Linguistic styles of Hillary Clinton, 2016.

۱. لیپست، انسان سیاسی، ص ۴۲-۶۰.

۲. برای نمونه، رک: مونک، مردم علیه دموکراسی، ص ۱۶۹.

رسانه‌های متعدد خارجی فارسی‌زبان، همواره تحسین و ستایشگری از نگرش غربی را در دستورکار خود قرار می‌دهند و تاثیری که باید را بر روان و اندیشه مخاطبان بجای می‌گذارند. مخاطبان این رسانه‌ها هیچ تصویری از تلاش‌هایی که برای اقدامات ساختگی، مصاحبه‌های طراحی شده، همگرایی با شبکه‌های هم‌تا و هم‌راستا و... در جهت القاء پیام‌های گوناگون به آنها می‌شود، ندارند. تهاجم از این طریق و راه‌های متعدد و متنوع دیگر، آرام و بی‌سروصدا در حال انجام بوده و سبب می‌شود تا بخشی از مردم در هنگام انتخابات، چارچوب ذهنی‌شان بیش از آنکه تحت‌تأثیر نیازها و مسائل اصلی کشور و راه‌حل‌های درونی و چارچوب‌مند باشد، این نوع نگاه را تخطئه کرده و حتی از حوصله و اراده لازم برای گوش فرا دادن به جوانب این نوع نگرش برخوردار نباشند. آنان با وجود آنکه به برخی مناسک پایبند هستند، به تدریج نگرش و جهت‌گیری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌شان همچون کسانی می‌شود که تاثیری برای خداوند، پیام‌های او و... قائل نیستند.

در مقابل، تصویرسازی‌های منفی از کشور و ساز و کار اداره کشور، آنان را وامی‌دارد تا نامزدی را در میان کاندیدای مطرح‌شده، دنبال کنند که نسبت به چارچوب‌ها و قوانین و ارزش‌ها، حداقل بی‌تفاوت و ساکت باشد و در عوض بر ثروتمند شدن، برخورداری از رفاه، آزادی‌های بی‌حد و حصر و... تأکید کند. آنان به دنبال نگاهی هستند که رفاه و آزادی و... را در مسیر تجربه شده غرب جستجو می‌کند. این آغازی برای نوع اقدامات نامزدها نیز می‌شود. آنچه بر

فضای انتخاباتی کشور حاکمیت می‌کند، به این معنی که می‌تواند در مشارکت و یا در نوع انتخاب مردم تاثیر مستقیم گذارد، وعده‌هایی است که با صورت مشابه غربی در فعالیت‌ها، نمادها و نشانه‌های به کارگرفته شده، ظهور و بروز پیدا می‌کند. اگر در فضای غرب این یک امر معمول است که هرچه افراد سطح پایین تری از جهت اقتصادی داشته باشند، حضور کمتری در انتخابات‌ها دارند^۱ و بنابراین وعده‌های اقتصادی می‌تواند آنان را به میدان آورد، در کشور ما نیز تبلیغات رنگ و بوی کاملی از اهداف اقتصادی به خود می‌گیرد و خلاف جهت هدایت و ارزش‌های معنوی، سازماندهی خواهد شد.^۲ فرایند و چرخه‌ای که توضیح داده شد، در نهایت خود هم در گفتگوها میان خود مردم و هم در رفتارهای نامزدهای انتخاباتی نشان می‌دهد. چنانکه هر سطحی از بداخلاقی‌ها در حامیان نامزدها یا خود آنها از جمله نشانه‌های طی شدن سطحی از فرایند و چرخه وعده‌محوری و غلبه فرهنگ انتخاباتی غرب بر فضای کشور است.

وقتی «وعده‌ها» در فضای انتخاباتی کشور حاکم می‌شوند

فراموش نمی‌شود که همچون فضای حاکم بر غرب^۳، بارها برای جلب توجه مردم بر نیازمندی‌های اقتصادی و امنیتی و ناظر به طبقه

۱. همان، ص ۱۹۳.

۲. ر.ک: مصباح یزدی و نوروزی، مردم‌سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، ص ۷۰-۷۴.

۳. برای نمونه، رک: لیبست، انسان سیاسی، ۱۹۰.

و دسته‌ای از مردم، تاکید شد و راه حل در پیشرفت اقتصادی از راه مذاکره با غرب و همچنین بازگرداندن سایه امنیت به کشور با خروج از ذیل فصل هفت شورای امنیت، آن هم با تمرکز بر طبقه متوسط و تحت فشار، دیده شد. فضا در عمل به سمتی مدیریت شد که پیش‌تر توسط رسانه‌های غربی و برخی رسانه‌های داخلی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مردم دیکته شده بود. این وضعیتی است که نگارنده از آن به حاکمیت وعده‌ها بر فضای انتخابات یاد می‌کند. فضایی که از یک سو نامزدها و حامیان آنها بیشترین تلاش خود را مصروف طرح و بیان وعده‌ها به معنی تعهد نسبت به آنچه خواهد شد یا خواهند کرد، می‌کنند و در مقابل، مردم نیز به دلیل مواجهه‌ای کاذب با نیازها و چالش‌های زندگی‌شان، به شکل ارادی و یا غیرارادی در انتظار شنیدن گزاره‌هایی هستند که راه حل می‌پندارند. این رفت و برگشت مستمر چشم به راه بودن و برطرف کردن توقعات را می‌توان به چرخه «وعده‌محوری» تعبیر نمود.

نکته مهم این است که حاکم شدن وعده‌ها هرچند برخی مردم را نسبت به انتخابات ترغیب می‌کند، اما آنان در بسیاری موارد متوجه نیستند که محتمل است دل به امری ناشدنی بسته باشند؛ چرا که آنان به خوبی از سازوکار تحقق وعده‌ها و امکان عملی شدن یا نشدن آنها، با توجه به قوانین و چارچوب‌های موجود، مطلع نیستند. موضوعی که در بلند مدت می‌تواند موجبات عدم رغبت آنان به هرگونه مشارکت سیاسی شود.

به عبارت دیگر حاکمیت وعده‌ها، در هنگام برگزاری انتخابات

تا حدی به مشارکت و به تعداد آراء نامزدها کمک می‌کند، اما با گذشت زمان از انتخابات، می‌تواند متعارض با فلسفه انتخابات و پیشرفت حقیقی کشور تفسیر شود؛ چرا که وعده‌ها می‌تواند در بی‌نسبتی با ارزش‌ها، خلق شده و در اذهان نیز، جای خود را به طور مستقل باز کند. اما به این توجه نمی‌شود که آیا قوانین و چارچوب‌های کشور هم اجازه به انجام رسیده وعده را به نامزد و حامیان او می‌دهد.

پاسخ منفی است و می‌توان پاسخ تفصیلی را با مرور برخی از فرمایشات امام راحل بدست آورد. کمتر توجه می‌شود که در فرمایشات امام خمینی علیه السلام بارها بر این امر که وعده‌ها باید در چارچوب ارزش‌ها تعریف شوند، تاکید شده است؛ برای نمونه می‌فرمایند «آزادی در حدود قانون است، یعنی آن مقداری که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی داده است در آن مقدار آزاد هستیم. آزاد نیستیم که فساد کنیم، آزاد نیستیم که کارهای خلاف عفت بکنیم. هیچ انسانی آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند... هیچ دستگامی را که برخلاف قوانین اسلام باشد نمی‌توانیم بپذیریم. و هیچ رأیی را که برخلاف رأی اسلام باشد و رأی شخصی باشد. رأی گروهی باشد، رأی حزبی باشد، ما نمی‌توانیم بپذیریم. ما آن را می‌توانیم بپذیریم که قانون اسلام حکمفرمایی کند. ما تابع اسلام هستیم؛ ما تابع قانون اسلام هستیم و جوان‌های ما خون‌شان را برای اسلام داده‌اند».

ضمن اینکه در ایران اسلامی، تلاش بر تنظیم قوانین مبتنی بر ارزش‌ها بوده و از این جهت، صورت دیگر از مقابله امام راحل علیه السلام با وعده‌ها و برنامه‌هایی که مطرح شده و فضا را تغییر می‌داد، مواجهه با شخص منتخب مردم است. برای نمونه این کلام فراموش نمی‌شود که «باید حدود معلوم بشود، آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن طرف بگذارد من با او مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری! قانون تو را قبول ندارد»^۱.

امروزه خطر «وعده‌محوری» در فضای انتخابات ما آنچنان که باید فهمیده نشده است. از این رو حتی نامزدها و حامیان انقلابی‌شان نیز گاه در همین ورطه افتاده و در تلاش هستند تا مردم را از طریق وعده‌های جذاب‌تر به سوی خویش جذب کنند؛ غافل از اینکه با این اقدام، در نقشه دشمن و ایادی او حرکت کرده‌اند.

اینکه چرا و چگونه در فصل‌های بعد روشن خواهد شد. اما پیش از آن جا دارد تا به نقطه مقابل این نگرش، یعنی حاکمیت ارزش‌ها و نشانه‌های آن پرداخته‌شود.

گفتار ۴

ارزش محوری؛ چیستی و نشانه‌ها

محوریت دادن به ارزش‌ها نقطه مقابل محوریت دادن به وعده‌ها است. فضای انتخاباتی در این صورت، عرصه مبارزه به هرنحوی و با هر هدفی نخواهد بود. ارزش‌های اسلامی از چنان قدرتی برخوردار است که وعده‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را در جهت منافع حقیقی مردم قرار دهد.

اشاره شد که در مکاتب غربی، این فلاسفه سیاسی هستند که با اتکا بر عقل خویش و تجربه‌های موجود بشر، تعریف می‌کنند که ارزش چیست.^۱ کسانی که خود بشوند و نسبت به قواعد هستی، آفرینش، حیات در دنیا، عوامل موثر بر رخدادها، چگونگی پیشبرد حقیقی امور و حال و آینده، تنها با تعابیری چون «شاید»، «احتمال می‌رود» و... سخن می‌گویند. بنابراین هیچ معرفتی کاملی وجود ندارد و بنابراین، ترجیح داده می‌شود تا درستی و اطمینان به همه امور بیشتر با آزمودن میزان ثمره و کارکردی که دارد، یعنی وعده‌ها،

۱. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه برخی مکاتب در این باره، رک: گودین و تیلی، تحلیل سیاسی با تکیه بر شرایط و زمینه‌ها، ص ۴۰-۴۶.

سجیده شود. نتیجه این نگرش و عقلانیت بشری، فضای وعده‌محوری حاکم بر عموم فضاهای انتخاباتی در دنیا است. اما ارزش در فلسفه سیاسی اسلام، اموری متکی بر معرفت حقیقی نسبت به عالم و هستی است. در این نگرش، خداوند در بالاترین حد از قدرت و حکمت و اطلاع از گذشته و حال و آینده، اصول و قواعدی را از طریق وحی فرستاده است، پیامبر(ص) و ائمه هدی علیهم‌السلام را الگوی حقیقی پیروی از این اصول و قواعد قرار داده است، و در عصر غیبت نیز بر فهم فقهای شیعه از این ارزش‌ها مهر تایید زده است. بنابراین، اتکا به ارزش‌ها، اتکا به خداوند است؛ و نه صرفاً اتکای به عقل و تجربه محدود و ناقص بشری. بنابراین، برخلاف نگرش غربی که چاره‌ای جز اتکا به کارکردها و وعده‌ها ندارد، در نگرش اسلامی بنیادهای فکری، ملاک سنجش امور قرار می‌گیرند. اینگونه است که «ارزش‌محوری» به معنی حاکمیت خداوند و آنچه او می‌طلبد، در همه عرصه‌های اجتماعی جاری می‌گردد.

ارزش‌محوری در فضای انتخابات

به عنوان مقدمه و برای اینکه روشن شود تا چه میزان به بازخوانی تصورمان از ارزش‌ها نیاز داریم، باید تاکید کرد که در کشور ما، تشخیص ارزش‌محوری و افرادی که پایبند به ارزش‌ها هستند، به هیچ عنوان امر آسانی نیست. چراکه وعده‌محوری نیز برای آنکه در فضای انتخاباتی کشور ایران، ظهوری بدون مانع و آسان‌تر داشته باشد، به طور معمول مبانی پشتیبان خود را مخفی نگاه می‌دارد.

چراکه مطرح کنندگان وعده‌ها از نگرش مذهبی مردم با خبرند و علاوه بر این، با توجه به ساختار حاکم بر کشور، اجازه تعدی و واضح سخن به میان آوردن از تمایلات غربی را به خود نمی‌دهند. رخداد مهم دیگر آن است که دانسته یا نادانسته و برای جلب توجه اکثریت مردم که از باور و گرایش مذهبی برخوردارند، هر زمان که احساس نیاز می‌شود، وعده محوری خود را با تحریف به ارزش‌های اسلامی مستند می‌کنند. باید دانست که وعده محوری، به عنوان یک محصول غربی، حیل و نیرنگ لازم برای نفوذ خود در ساختارهای سیاسی دیگر را نیز به همراه دارد. اما در مقابل این فضا، می‌توان فرهنگ دیگری را بر فضای انتخابات مستولی ساخت که حاکمیت در آن با ارزش‌ها است و حتی وعده‌ها نیز معنای حقیقی خود و تحقق شان را زیر چتر ارزش‌ها می‌یابند. اما این ارزش‌ها در نگرش اسلامی، و به صورتی که قابل تشخیص و تمایز از نگاه‌های واعده‌محور باشد، کدامند؟

در یک نگاه اولیه و فارغ از میدان عمل، ارزش‌ها، اهداف و اصولی هستند که راهنمای عمل انسان قرار می‌گیرند و مرزبندی‌هایی را برای ذهن و عقل انسان میان خوب و بد و درست و نادرست و هرگونه باید و نباید به وجود می‌آورند.^۱ اما هنگامی که از چیستی ارزش‌ها در ایران اسلامی پرسیده شود، تمامی مسائل، شرایط و جوانب امروزی پایبندی به باید و نبایدها کلی،

۱. میرزایی اهرنجانی، نقش و جایگاه ارزش‌ها در مدیریت راهبردی.

مورد توجه قرار می‌گیرد.

اضلاع ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران

ارزش‌ها در ایران اسلامی، در چند بخش قابل ترسیم است و توضیحی کوتاه از چارچوب ارزش‌ها در ایران اسلامی می‌تواند گامی برای اطلاع بیشتر از صحنه فضای انتخابات و نسبتی که می‌تواند به معنی واقعی، با ارزش‌ها برقرار کند، باشد. چه‌آنکه به‌طور معمول، با سخن به میان آمدن از ارزش‌ها نگاهی کلی و بسیط به ارزش‌ها صورت می‌گیرد و اهمیت و کارکرد ارزش محوری از اساس زیر سوال می‌رود. اما در اینجا ارزش‌ها در مهم‌ترین ابعاد و ناظر به صحنه عمل و اجرا مطرح می‌شود؛ تا مقدمه‌ای برای طرح استدلال در لزوم حاکمیت ارزش‌ها بر فضای انتخابات در بخش‌های بعدی نوشته حاضر باشد.

مهم‌ترین اضلاع ارزش‌ها در میدان عمل، نخست اهداف بزرگ و کوچکی است که برای کشور تعیین شده و می‌شود و در کنار آن، اصولی که برای تحقق این اهداف مورد نظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، با نگاه به چگونگی تحقق ارزش‌ها، دوضلع فرعی دیگر نیز خودنمایی می‌کند. اینکه با توجه به اهداف و اصول، امکانات ما کدام است و چه موانعی پیش روی داریم.

۱. برای نمونه در مورد اضلاع ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، رک: ارمغان؛ دست‌آورد‌های انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

این موضوع از چند جهت در تحلیل‌های بعدی نوشته حاضر اهمیت دارد. برای نمونه اگر بر ارزش محوری تاکید می‌شود باید ارزش‌ها را از عملکرد مسئولین در مسیر تحقق ارزش‌ها تفکیک کرد؛ و یا در عین این تفکیک، باید برای شناخت نامزدهای ارزش محور به میزان توجه درست و واقع نگر آنها به این امکانات و موانع، توجه داشت.

بر این اساس، یک ضلع مهم از ارزش‌ها، اهداف نظام اسلامی هستند. هدف نهایی، دستیابی به حیات طیبه و ایجاد تمدن اسلامی است؛ اما این هدف چگونه محقق می‌شود. ایران اسلامی اهداف و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی دارد که از مهم‌ترین آنها، استقرار عدالت، کرامت بخشی به انسان، تسهیل دستیابی به تحصیلات عالی برای عموم، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، ایجاد زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، امنیت اجتماعی و اخلاقی، پیشرفت و اعتلای علمی، فنی و اقتصادی و توسعه درون‌زای کشور، است.

همچنین در عرصه سیاسی اهدافی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آنها، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، دفاع از حقوق همه مسلمانان و مظلومان عالم، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، ایجاد و تقویت عزت ملی و اسلامی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، است. در نهایت

اهداف و آرمان‌های اقتصادی نیز مد نظر است که مهم‌ترین شان، تأمین خودکفایی در صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها و جلوگیری از غارت بین‌الملل توسط استعمارگران است.

ضلع مهم دیگر ارزش‌ها در ایران اسلامی، اصول کلی هستند. اصولی که برای نمونه می‌توان آن را در حرکت امام راحل، که در بیانات رهبری به این خطوط تصریح شده است؛ اشاره کرد.

برخی از مهم‌ترین این اصول عبارتند از: ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرت‌های خارجی و نداشتن سرسازش با این قدرت‌ها، اهتمام به تعبد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه‌های شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی، اهمیت دادن به توانایی و استقلال ملت‌ها و اصل دانستن آنها، اصرار به وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار، اصرار بر داشتن روابط سالم با دولت‌ها و پرهیز از آن در مقابل دولت‌های استکباری، متجاوز و ظالم، اصرار بر شکستن حصار تحجّر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب؛ و به عبارتی مرزبندی روشن، هم با اسلامی متحجر و هم با اسلام سکولار، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی، توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها، اعتماد به وعده‌های الهی و بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به زورگویان.

اما ارزش‌ها در ایران اسلامی، صرفاً مسیر و چگونگی اصول

حرکت را روشن نمی‌کند و در نگاهی کارآمد به امکانات توجهی ویژه دارد. این امکانات و ظرفیت‌هایی در اختیار نظام اسلامی، گاه صورتی غیرمادی دارد، که از مهم‌ترین آنها، نصرت، عنایت و امداد الهی، ولایت و رهبری توانا، حمایت و پشتوانه مردمی، قانون اساسی مترقی، شجاعت و قدرت ملت و اعتقاد مردم به اسلام، هستند. امکانات مادی بخش دیگر از ظرفیت‌ها هستند که از مهم‌ترین آنها، موقعیت جغرافیایی، سرزمین سرشار از برکات الهی و امکانات طبیعی، نیروی انسانی انقلابی و با هوش، دارا بودن بازار مناسب و در دسترس، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، تجربه‌های مدیریتی متراکم و جمعیت زیاد و جوان است.

ضلع مهم دیگر ارزش‌ها، که از واقع‌نگری و کارآمدی‌شان خبر می‌دهد، زیر نظر داشتن مجموعه‌ای موانع درونی و بیرونی نظام است. در بخش نخست، باید از ایستایی، تبلی و بی‌بندوباری، بدبینی و بی‌اعتمادی به مسئولان، بدبینی و سوءظن به یکدیگر، خودباختگی و عدم اعتماد به نفس ملی در برخی افراد، سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی برخی مسئولان، ضعف بعضی از مدیریت‌ها، وابستگی فرهنگی و اقتصادی، ضعف در وجدان کاری، وابستگی به نفت، روشنفکران بیمار، فساد اقتصادی، باقی ماندن برخی از عادت‌های بد گذشته، اشرافی‌گری برخی مسئولان، واردات بی‌رویه، باور نداشتن بعضی مسئولین به ظرفیت‌ها از موانع پیشرفت کشور، بی‌توجهی به درون‌زایی در اقتصاد و قبيله‌گرایی سیاسی، یاد کرد.

موانع بیرونی نیز بیشتر به اقدامات نظام سلطه و تشکیل یک

جبهه متحد صهیونیسم آمریکایی علیه نظام باز می‌گردد، که عبارتند از: جنگ روانی، جنگ فرهنگی، تحریم و محاصره اقتصادی، فشار و تهدید سیاسی، فشار و تهدید نظامی، ایجاد فتنه و ناامنی در داخل کشور، نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، ایجاد اختلاف در کشور و ایجاد اختلاف در منطقه.

با توضیحات یاد شده، می‌توان گفت فضای حاکم بر انتخابات در ایران اسلامی، کمتر با طرح و بسط ارزش‌های انقلاب اسلامی و در تفکیک با عملکرد مسئولین در بهره‌مندی‌شان از امکانات و عبورشان از موانع، مورد توجه قرار گرفته است. انتخابات لزوماً برای جامعه ما یادآور ارزش‌های فهرست شده نیست، هرچند این ارزش‌ها به صورت حقیقی و یا شعارگونه از سوی برخی نامزدها و حامیان‌شان مطرح می‌شود. آنچه در ادوار گوناگون غلبه داشته است، اکتفا به طرح ارزش‌های کلی و میدان‌داری وعده‌های جذاب برای مردم است. همین امر موجب می‌شود تا فرمایش رهبری معظم انقلاب که رای دادن را در حقیقت رای به ارزش‌های انقلاب می‌دانند درک نشود.^۱

اما فاصله میان مردم سالاری دینی و انتخابات در کشور زمانی روشن تر می‌شود که آسیب‌های آن را نیز برشماریم. لازم به ذکر است که فهم کامل از چیستی ارزش‌ها و جایگاه آن در انتخابات منوط به مباحث فصل‌های بعدی است.

۱. برای نمونه، رک: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۸۴/۳/۲۵،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3296>

فصل دوم

انتخابات؛ نگاهی به میدان عمل

پس از ارائه تصویری کلی از اندیشه ای که مسبب وجود فرهنگ کنونی انتخاباتی در کشور شده است، در فصل پیش رو به مهم ترین پیامدهای دوگانه «وعده محوری» و «ارزش محوری» پرداخته می شود. این پیامدها می تواند نقش کلیدی در تصمیم گیری افراد و تجدیدنظر آنها در دنباله روی از جریان ها و یا افکار سیاسی، ایفا نماید.

گفتار ۱

آسیب‌های وعده محوری؛ تحریف و تخریب

از جمله آسیب‌های وعده محوری در فضای انتخابات، میدان دادن به تحریف‌ها و تخریب‌ها است.

وعده محوری و میدان دادن به تحریف حقایق

در مورد آسیب نخست، از جمله مسائلی که در طول یک دهه گذشته مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته، چپستی عوامل کاهش یا افزایش مشارکت در انتخابات‌های پیشین است؛ مشارکت حداکثری از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند شاهدهی بر پیمان مجدد با آرمان‌های انقلاب اسلامی و التزام مردم به جمهوری اسلامی از یک‌سو و افزایش اعتبار نظام در سطح بین‌المللی و مصونیت بیشتر کشور از جنبه‌های گوناگون باشد. به ویژه این موضوع، بیشتر از سوی دشمنان و معاندان نظام اسلامی تکرار می‌شود که مردم رغبتی به شرکت در انتخابات ندارد. البته آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات و مقایسه آن با ادوار پیشین، نشان از رخدادی ویژه را ندارد، اما به هر ترتیب کمتر از زاویه مسأله نوشته حاضر به علل عدم اقبال برخی از مردم به انتخابات توجه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، فضای انتخاباتی، وعده‌محور باشد یا ارزش‌محور، هر دو توان ایجاد مشارکت بالا را دارند. با این حال به طور خاص در کشور ما، این امر صدق نمی‌کند. وعده‌محوری هم سازوکارها را و هم نگرش مردم را به تدریج به سمت عدم مشارکت می‌برد. برای نمونه در این فضا، نهادهای مسئول در برگزاری انتخابات به دلیل توجه به ارزش‌ها، زیر سوال برده می‌شوند، و یا با طرح وعده‌های ناشدنی و غیرمنطبق با قوانین یا مسیرهای مشروع، در عمل زمینه خلف وعده و بی‌اعتمادی و عدم مشارکت مردم بوجود می‌آید.

مطابق مطالعه‌ای که درباره عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در انتخابات ایران صورت گرفته، آمار و بررسی نشان می‌دهد که با وجود نقش و اهمیت فضای سیاسی، انگیزه‌های سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، ویژگی‌های شخصیتی یا موقعیت مکانی شرکت‌کنندگان، ویژگی‌های نامزدهای انتخابات و سرمایه اجتماعی و تأثیری که تمامی این موارد در چند و چون مشارکت سیاسی مردم دارند، اما دو عامل اساسی و مهم می‌تواند سرنوشت‌ساز تلقی شود؛ که عبارتند از موقعیت اقتصادی و اجتماعی و همچنین دینداری.^۱

می‌توان با اطمینان گفت در صورتی که فضای عمومی انتخابات با محوریت وعده‌های اقتصادی و اجتماعی یا با محوریت حاکمیت

۱. محمدزاده راوندی و نیازی، تحلیل الگوی فضائل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی انتخابات در ایران.

ارزش‌های الهی در همه جوانب باشد، مشارکت مردم بیشتر خواهد شد. اما در صورتی که همچون فضای حاکم فعلی، عموم نامزدها درصدد طرح وعده‌های مردم‌پسند باشند و در طرف دیگر بخش قابل توجهی از مردم درصدد شرکت در انتخابات در صورت اطمینان نسبی از امکان تأثیر وعده‌های اقتصادی و اجتماعی باشند، روشن است که هر عاملی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طرح چنین وعده‌هایی جلوگیری کند، می‌تواند منجر به کاهش مشارکت گردد.

آنچه باعث تبیین بهتر این تحلیل می‌شود اشاره به اصل دوم و سوم قانون اساسی و تأثیر آن بر سازوکار انتخابات است. در این دو اصل، به مجموعه‌ای از اصول بنیادین نظام همچون برقراری قسط و عدل یا استقلال در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و همچنین مجموعه اقدامات اساسی در جهت تحقق این اهداف در تمامی حوزه‌های معنوی و تربیتی، علمی و آموزشی، سیاست داخلی و خارجی اقتصاد و صنعت، دفاع و امنیت و... پرداخته شده‌است.

با وجود این اصول، گاه بررسی‌های شورای نگهبان منجر به احراز صلاحیت برخی از ثبت‌نام‌کنندگان نمی‌شود و به عبارت دیگر، شورای نگهبان به این جمع‌بندی نمی‌رسد که فرد مورد نظر در عملکردش تعهد لازم نسبت به اصول بنیادین یاد شده و بنابراین پایبندی نسبت به شعائر و مناسک اسلامی یا مصالح نظام اسلامی و یا معیارهای اصیل انقلاب اسلامی دارد. شورای نگهبان با این

اقدام بر مبنای ارزش‌های اسلامی، در حقیقت نه از حضور آن فرد بلکه از طرح و برنامه‌هایی که می‌تواند مدیریت کشور را از ناحیه رعایت موازین شرعی و قوانین اسلامی تحت الشعاع قرار دهد، پیشگیری کرده‌است.

اما اینجاست که معاندین نظام و برخی نیز از سر غفلت، این گفتمان را تقویت می‌کنند که با حضور افراد تأیید صلاحیت شده، تحول و اصلاحات موردنظرشان انجام نخواهد شد. در این وضعیت، می‌توان گفت کاهش مشارکت محصول ارجحیت و محوریت یافتن وعده‌ها و از حاکمیت انداختن ارزش‌ها است. شایان ذکر است که در طول چند دهه گذشته تلاش کافی برای تبیین این موضوع صورت نگرفته و حتی بسیاری از علاقه‌مندان به نظام، همچنان به شکل تلویحی، شورای نگهبان و سخت‌گیری این شورا را دلیل کاهش مشارکت می‌شمارند.

وعده‌محوری و میدان دادن به تخریب

اما آسیب دیگری که محوریت یافتن وعده‌ها و در حاشیه قرار گرفتن ارزش‌ها، به دنبال دارد، میدان دادن به تخریب‌ها است. برای نمونه وعده‌محوری به فراهم آمدن زمینه هنجارشکنی در اقدامات و گفتارهای نامزدها و حامیان آنها منجر می‌گردد.

در فضای وعده‌محور، نامزدها و حامیان او درصدد هستند تا رأی بخشی از مردم که هنوز تصمیم قطعی در مورد مشارکت ندارند را به نفع خویش جلب نمایند و هنگامی که معیار نظر گروه‌هایی از مردم و نه

چارچوب‌ها و خطوط کلی حرکت نظام اسلامی شد، طبیعی است که وعده‌ها نه تنها با ارزش‌ها مطابقت ندارد، حتی توجهی به امکان تحقق آن با توجه به حدود اختیارات رئیس یک قوه نمی‌شود.

چنانکه مشاهده شده است در بسیاری موارد از راهبردها یا راهکارهایی سخن به میان می‌آید که برخلاف قانون اساسی، برنامه‌ها و سیاست‌های کلی نظام و یا بیانات صریح امام خمینی علیه السلام یا مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در واکنشی که نسبت به این آسیب در فضای نامطلوب انتخابات داشتند، فرمودند: «راهکار بعضی افراد برای بیشتر دیده و شنیده شدن، شکست خطوط اصلی نظام است. در حالی که نظام جمهوری اسلامی، نظامی مستقر، پابرجا و جاافتاده است که با همین خطوط خدایی و مردمی در مقابل دشمنی‌ها ایستاده است»^۱.

سخن این است که تا زمان تبدیل نشدن فضای انتخاباتی کشور به فضائی که وعده‌ها در پس ارزش‌ها مشاهده و دنبال می‌کند، در صورت افزایش مشارکت در کشور، نمی‌توان اطمینان داشت که منتخب مردم کسی باشد که در تنظیم راهبردهای خویش مبتنی بر قوانین و چارچوب‌ها، حرکت می‌کند و یا در انتصابات خویش به تخصص و تعهد به صورت توأمان و یکسان می‌نگرد و یا در تصمیمات خویش نگاهی همه‌جانبه و همراه با عقلانیت و

۱. ارتباط تصویری نمایندگان مجلس با رهبر انقلاب؛ ۱۴۰۰/۳/۶؛

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47908>

مصلحت‌اندیشی دارد و یا در اقدامات خستگی‌ناپذیر و خالصانه و با هدف محض خدمتگزاری به مردم عمل می‌کند.

با اطمینان و با توجه به تجربه‌های پیشین ادوار انتخابات می‌توان گفت در صورتی که این فضا تغییر نکند همچنان وجود و حضور شخصیت‌های کاریزماتیک، رخدادها و اتفاقات تأثیرگذار در روحیه مردم و دیگر عوامل که معمولاً در تحقیقات بر تأثیرش در مشارکت سخن به میان آمده، نمی‌تواند به روی کار آمدن فردی اصلح کمک کند؛ و چه بسا با وجود میدان‌داری برخی رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و... همچنین امکان ترویج دوگانه‌های کاذب چون مذاکره و تحریم، حقوق زن و حجاب و... عکس این امر احتمال بیشتری پیدا می‌کند. احتمال مطرح می‌شود که در صورت حضور نامزدهای تمامی گفتمان‌های سیاسی کشور و بالا بودن مشارکت، نامزدی پیروز انتخاب شود که از کارآمدی لازم برخوردار نباشد.^۱

برای نمونه از جمله مواردی که با کار رسانه‌ای در ذهن برخی از طبقات مردم جا گرفته است، خواسته‌هایی است که دنیای غرب یعنی آمریکا و کشورهای اروپایی از ایران در حوزه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... دارند. همان‌طور که اشاره شد در فضای وعده‌محوری نگاه نامزدها بیش از آنکه در تنظیم با ارزش‌ها باشد، در تنظیم با خواست برخی طبقات است. اینکه تأکید بر نفوذ

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: اخضریان کاشانی و جعفرپور، جریان‌شناسی سیاسی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۴۰۰، ص ۹۵.

فضای انتخاباتی از غرب شد، اینجا نیز خود را نشان می‌دهد. در نظام‌های مبتنی بر لیبرال دموکراسی، وقت و هزینه زیادی صرف این امر می‌شود که کدام طبقه روی چه موضوعی حساسیت دارد و کدام وعده بر روی کدام قشر اثر گذار خواهد بود.^۱ در کشور ما نیز به طور مکرر دیده شده است که حتی از بیان خواسته‌های غرب در میان وعده‌ها و برنامه‌های خویش نیز دریغ نمی‌کنند. این در حالی است که عموماً خود آنان نیز مطلع‌اند که تجربه دوره‌های قبلی نشان داده است که امکان به کارگیری امکانات کشور را در آن مسیر ندارند و رهبری و دیگر نهادهای انقلابی اجازه چنین اقداماتی را عواقب زیادی برای انقلاب اسلامی دارد، نخواهند داد. به طور ویژه رهبری بارها در اینباره تذکر داده‌اند و فرمودند «اینکه مسئولان ما یا در دوره انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرف‌های غربی‌ها را تکرار می‌کنند، این هیچ امتیازی محسوب نمی‌شود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوییم که غرب می‌پسندد».^۲

همچنین در بیانی دیگر به طور واضح از مقابله با چنین نگاهی تأکید دارند؛ آنجا که فرمودند: «ملت ایران در انتخاب‌های خود توجه کنند کسانی با رای ملت سرکار نیابند که در مقابل دشمن بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی

۱. برای نمونه، رک: لپیست، انسان سیاسی، ۱۹۰.

۲. بیانات در دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6855>

روی کار نیایند که با تملق‌گویی به غرب، به دولت‌های غربی به دولت‌های زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد»^۱. با این حال فضای وعده‌محوری، بی‌توجه به میزان اجرایی بودن وعده‌ها است و حتی اگر وعده‌ها صورتی از آمال و آرزوی بخشی از مردم را داشته باشند، از طرح آن ابائی ندارند و چه بسا به طرح آن رغبت وجود دارد.

۱. بیانات در دیدار مردم بیجار، ۱۳۸۸/۲/۲۸؛

گفتار ۲

آسیب‌های وعده‌محوری؛ اختلال در تصمیم‌گیری

آسیب مهم دیگر وعده‌محوری، میدان‌دادن این فضا به هیجانات و تصمیم‌هیجانی در مورد اصل شرکت در انتخابات و همچنین فردی است که از سوی مردم انتخاب می‌شود؛ فارغ از اینکه آیا او در مقام عمل نیز می‌تواند باعث تحقق عدالت، رفاه و آبادانی در کشور شود یا خیر.

وعده‌محوری و نسبت آن با فضای هیجانی

به عنوان مقدمه باید گفت، هیجان که از آن به عنوان یکی از حالات و فرایندهای درونی رفتار و از جمله عوامل مهم و اثرگذار در زندگی عادی و همچنین رفتار سیاسی و فرایند انتخاب یاد می‌شود، هم در رفتار شخصیت‌های انتخاب‌شونده و هم عموم انتخاب‌کنندگان بروز و ظهور پیدا می‌کند. به طور خاص هر دو گروه در تصمیم‌گیری خود برای آنکه خود را در معرض انتخاب قرار دهند یا شخصی را انتخاب کنند، تحت تأثیر عوامل بیرونی اعم از دوستان، اطرافیان، رسانه‌ها و جامعه خواهند بود.

در مورد دسته اول، چه انگیزه‌ای برای ورود به انتخابات وجود دارد. در فضائی که -مطابق آنچه در فصل‌های پیشین گذشت- طرح وعده‌های اقتصادی و اجتماعی، حرف اول را می‌زند، شخص تلاش می‌کند جامعه‌ای که رأی آنان در انتخاب او مؤثر واقع می‌شود را بشناسد، نیازهای آنان در زندگی عمومی را شنیده، برای حل آنها و یا حداقل نشان دادن خود به عنوان حل‌کننده آن مشکلات، آن هم از هر طریق ممکن برنامه‌ریزی کند و با اطمینان از توان حل نیاز به میدان رقابت وارد شود و بنابراین از توان لازم برای طرح وعده‌هایی که به موافقت حداکثری می‌انجامد، برخوردار باشد. اما شناخت جامعه، نیازهای آنان و راه‌حل‌ها چگونه تعیین خواهد شد؟

اینجاست که گرایش‌های ملی و قومی و علائق حزبی و سیاسی، مهم‌ترین تأثیر را از طریق عوامل بیرونی مؤثر بر تصمیم‌گیری بر روی افراد خواهد گذاشت. در بسیاری موارد، تحت تأثیر فضای نیازهایی که به دلایل گوناگون - و چه بسا با اقدامات یا رسانه‌های خارجی و داخلی - بیشتر در نزد مردم اهمیت یافته، وعده‌های خود را تعیین و تصمیم به شرکت در انتخابات می‌گیرد. او کمتر متوجه است که شناخت او از جامعه و نیازهای آنان و راه‌حل‌های احتمالی، تحت تأثیر فشارها و حمایت‌های حزبی یا جناحی شکل گرفته است. فردی که با چنین نگرشی وارد میدان رقابت انتخاباتی شده، بیشترین تلاش را برای ایجاد گفتمانی اطمینان‌بخش در میان مردم دارد.

وعده‌های نامزدها در فضای به حاشیه رفتن ارزش‌ها،

لزوماً ریشه در شناخت حقیقتی جامعه و نیازهای اساسی آنها و راه‌حل‌های معقول و ممکن در چارچوب قوانین نظام اسلامی ندارد؛ و بنابراین در مرحله بعدی یعنی در فرصت معرفی و تبلیغات، از تمامی فرصت‌هایی که می‌تواند عواطف و احساسات و هیجانات مردم را در مسیر درست یا غلط تحت تأثیر قرار دهد، استفاده می‌شود.

باید اشاره شود که حتی احزاب و جناح‌های مهم و بسیار فعال که وظایف و رسالت خود را در فضای وعده‌محوری دنبال می‌کنند، شرط و توتنی در حمایت از نامزدهای انتخابات را، از یک سو میزان هماهنگی نگاه وی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی برجسته شده در چشم مخاطبان و از سوی دیگر توان آن نامزد در کنش‌ها و گفتارهای مؤثر در افکار عمومی و به واکنش واداشتن آنها می‌داند.

امروزه به عقیده بسیاری از اندیشمندان و محققان خارجی، این وضعیت به طور کامل بر شرایط و فضای کلی انتخابات در غرب، حاکم است^۱ و حتی فراتر از میدان عمل، در عرصه فکر نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که عموم اندیشمندان غربی، به «هیجانات» و نقشی که در اقدام سیاست‌مداران و پیشبرد امور سیاسی دارد، توجه خاصی دارند. جالب است که این نوع از تفکر و عمل تأثیر جدی و مخربی را بر فضای حاکم انتخابات در دیگر کشورها نیز

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: رستگارپور و دیگران، هیجان و نقش آن در انتخاب سیاسی، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

گذاشته است.^۱

در طرف دیگر صحنه، مردم قرار دارند و باز هم در فضای یاد شده تحسین و تقبیح آنان از نامزدها تحت تأثیر فضای به وجود آورده رسانه‌ها و یا اقدامات برنامه‌ریزی شده نامزدها است. بنابراین در فضائی که وعده‌محور است، انتخاب‌ها و به عبارت دقیق‌تر واکنش‌هایی که صورتی ویژه می‌یابد، سیری وجود دارد که می‌تواند صحنه مشارکت سیاسی یا نتایج انتخابات را دچار شوک کند و این سیر در یک رابطه دوسویه میان انتخاب شونده و انتخاب‌کننده تمامی اجزاء خود را براساس شناختی از نیازها و راه‌حل‌ها تعریف می‌کند که لزوماً ارتباطی با واقعیت‌های جامعه و چارچوب‌های نظام ندارد.

کارکرد هیجان در حاکمیت وعده‌ها و ارزش‌ها

البته هیجان‌ات تنها جنبه منفی ندارد و مطابق آنچه مطرح شد، این محوریت دادن به وعده‌ها است که سبب می‌شود هیجان‌ات در مسیر اطمینان‌بخشی قرار نگیرد، اما در مقابل در صورتی که ارزش‌ها حاکم بر فضای انتخابات باشد، همان تلاش برای شناخت واقعیت جامعه ما، نیازهای حقیقی، سرنوشت‌ساز و پیش‌برنده ملت و همچنین راه‌حل‌های سنجدیده و هماهنگ با چارچوب‌ها و امکاناتی که در اختیار فرد انتخاب شده قرار دارد، با عنایت نسبت به ارزش‌ها صورت می‌گیرد. در چنین فضائی بی‌تردید تصمیم‌گیری چه از

۱. برای نمونه، رک: عبدالملکی، مبانی روان‌شناختی سیاست، ص ۱۳۶.

سوی نامزدها و چه از سوی مردم نه براساس عوامل بیرونی و صرفاً نظر حامیان، طرفداران و رسانه‌ها و فضای غلبه یافته، که براساس عقلانیت، محقق خواهد شد.

این موضوع به عنوان یک تجربه و واقعیت پیش‌روی نخبگان قرار دارد که در طول دهه‌های گذشته، به ویژه در انتخابات‌های ریاست جمهوری، رابطه مستقیمی میان میزان و نتیجه مشارکت مردم در انتخابات با مقوله هیجان وجود داشته است.

هرگاه در طول سالیان گذشته هیجانات در خدمت ارزش‌ها تعریف شد، نتیجه انتخابات روی کارآمدن فردی بود که کشور را از آماج تهدید دشمنان عبور داده و به پیشرفت کشور کمک کرد و در مقابل، هرگاه هیجانات به خدمت فضای وعده محور آمد، حتی مشارکت مردم و انتخاب فردی با آرای بالا نتوانست حرکت پرشتاب کشور تضمین کند؛ اگر گفته نشود که مانع پیشرفت گردید.

اما این هیجان‌گاه در ضمن ارزش‌ها تعریف شده است و گاه در فضای وعده‌محوری رخ نموده است. در یک بررسی کلی میزان مشارکت در ادوار گوناگون انتخابات ریاست جمهوری، به ترتیب ۳ انتخابات بالاترین حجم از مشارکت را به خود اختصاص داده است. انتخابات دوره دهم (سال ۱۳۸۸) با ۸۴/۸۳ درصد، انتخابات دوره هفتم (سال ۱۳۷۶) با ۷۹/۹۲ درصد و انتخابات دوره سوم (۱۳۶۰) با ۷۴/۲۶ درصد مشارکت انجام شده است. تحلیل فضای کلی این سه انتخابات که به ترتیب منجر به انتخاب

آقایان محمود احمدی‌نژاد، سید محمد خاتمی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گردید، می‌تواند به خوبی تأثیر جایگاه هیجانانگیز در انتخاب مردم را در ضمن فضای حاکم وعده‌محوری و ارزش‌محوری نشان دهد.

دور سوم انتخابات ریاست جمهوری، در حالی برگزار می‌شد که کمتر از هفتاد روز از دوره قبلی انتخابات می‌گذشت. در انتخابات پیشین، شهید رجایی در آغاز فعالیت خود در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید. وی به عنوان رئیس جمهوری مردمی و خدمتگزار شناخته می‌شد و در عین حال، شهادت او این پیام را به جامعه می‌داد که پابندی رئیس جمهور به ارزش‌ها تا حدی در پیشرفت حرکت نظام اسلامی موثر است که دشمنان وجود و حضور او را نیز در این مقام تحمل نمی‌کردند.

طبیعی بود که این رخداد تأثیر قابل توجهی در روحیه و فکر مردم داشت و بنابراین مشارکت مردم در انتخابات با فاصله‌ای اندک از انتخابات پیشین، بیش از ۱۰ درصد افزایش یافت. باید یادآور شد که در فضای انتخابات نیز ارزش‌ها حاکم بود و بیشترین تعبیر مورد استفاده توسط منتخب مردم، «حکومت اسلامی با هدف قطع ریشه استکبار و ضعف‌های اجتماعی و اقتصادی» بود.^۱

اما دوره مهم دیگر از جهت مشارکت مردم در انتخابات، دوره

۱. عشایری و دیگران، شعار انتخاباتی دولت‌های پسا انقلاب اسلامی ایران، ص ۷۳.

هفتم انتخابات ریاست جمهوری است که با حضور ۷۹/۹ درصد از مردم انجام شد. در این دوره چهره‌ای کمتر شناخته شده برای مردم و با وجود ورود دیرهنگامی که به عرصه انتخابات داشت، فضای جامعه سیاسی را با مجموعه اقداماتی که توسط وی و حامیانش صورت می‌گرفت، تحت تأثیر قرار دارد.

فضای جامعه سیاسی اما در این دوره تغییر محسوسی یافته بود. انتظار و تأکید برخی طبقات اجتماعی و به ویژه جوانان به تغییر و تحول کاملاً محسوس بود. در چنین شرایطی خاتمی خود را متولد خانواده صاحب اندیشه و آزادی معرفی کرد. مخاطب اصلی خود را جوانان خواند. از مهم‌ترین شعارهای خود را پذیرش تکثر و تنوع در درون نظام اعلام کرد.^۱ از جمله مهم‌ترین وعده‌های او نیز نهادینه کردن آزادی‌های سیاسی و مدنی بود.^۲ همین شعارها و وعده‌ها و سوار شدن بر فضای حاکم نیازهای طبقاتی از مردم و ارائه راه‌حلی کلی که می‌توانست شامل صورت‌هایی فراتر از قانون و شرع نیز باشد، سبب شد تا نیروی متراکم موجود در طبقاتی از احزاب، گروه‌ها و به ویژه جمعیت جوان اقبال به سوی وی را رقم زند. نکته مهم این است که فضای وعده‌محور ایجاد شده، هیجانانگیز را به دست گرفته و کنترل می‌کرد.

همین رخداد با تفاوت‌هایی در سال ۱۳۸۸ نیز تکرار شد.

۱. برای نمونه، رک: fararu.com/fa/news/635357

۲. عشایری و دیگران، شعار انتخاباتی دولت‌های پسا انقلاب اسلامی ایران، ص ۷۳.

میرحسین موسوی با اتکا بر حمایت بخشی از جامعه تغییر و تحول اساسی حرکت و پیشرفت کشور را مورد تأکید قرار می‌داد. وی نیز تأکید بر آزادی‌های سیاسی و مدنی داشته و از برقراری ارتباط با آمریکا سخن می‌گفت.^۱ هیجان در فضای سیاسی کشور متأثر از همین وعده‌ها افزایشی کم‌سابقه پیدا کرد و سبب شد تا بخش قابل توجهی از جریان‌ات و احزاب سیاسی با تمام قوا بر مشارکت مردم تأکید نمایند. اینکه چرا در این دوره وی موفق به کسب حداکثر آراء نشد، سخنی دیگر است اما با اطمینان می‌توان گفت که فضای وعده‌محوری که در یک نگاه کلی از سوی تمامی نامزدها و جریان‌ات سیاسی دنبال شده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد، باعث انفجار هیجان‌ها به شکلی ناصواب گردید.

۱. برای نمونه، رک: aftabnews.ir/fa/news/86725

گفتار ۳

ارزش محوری و حل گره مشارکت و انتخاب اصلح

در مقابل وعده محوری و آسیب هایش، محوریت پیدا کردن ارزش ها در فضای انتخابات کشور، ثمرات فراوانی به دنبال خواهد داشت که جمع این ثمرات می تواند دغدغه مشارکت حدکثری و همچنین، روی آوردن مردم به سوی اصلح را حل کند. در ادامه به بخشی از ثمرات مستقیم و غیرمستقیم حاکمیت ارزش ها در فضای انتخابات اشاره می شود.

ارزش محوری و آوازه دستاوردها

یکی از ثمرات غلبه یافتن ارزش ها در فضای انتخابات، مواجهه نامزدها و حامیان و هواداران آنها و همچنین مردم، با واقعیت های کشور است. برای نمونه در این فضا، دستاوردهای انقلاب اسلامی نه تنها مخفی یا پوشیده نمی شوند، بلکه به احسن وجه فرصت ظهور و بروز پیدا می کنند. بنابراین، رغبت مردم برای ادامه حرکت پرتوان کشور بیشتر و بیشتر خواهد بود.

این امر نقطه مقابل شرایطی است که همگان روی وعده ها

حساب باز کرده بودند. در آن شرایط آنچه در طول چند دهه گذشته در کشور صورت گرفته، بزرگ دیده نمی‌شد و به عکس، هرچه نقدها محکم‌تر در خصوص عملکرد گذشتگان بیان می‌شد، می‌توانست با اقبال بخشی از مردم مواجه شود. در مقابل اما، ارزش محوری در فضای انتخابات، پیشرفت ایران را به عنوان یک پیش‌فرض پیش چشم همگان قرار می‌دهد و با چنین نگرشی، انتخابات به جشنی بزرگ برای ملت ایران در جهت تداوم مسیر پیشرفت معنی و مفهوم می‌یابد. جادارد اشاره‌ای به عناوین روشن این دست‌آوردها شود و تصور شود که عنایت به این دستاوردها و جای‌گیری درست آنها در اذهان مردم چه نظر و حسی را در درون آنان نسبت به انتخابات به وجود می‌آورد.

از جمله دست‌آوردهای جهانی ایران اسلامی، می‌توان به ارائه الگوی نه شرقی، نه غربی و شکست ابهت پوشالی استکبار، تأثیرگذاری در مسائل منطقه و فرامنطقه، احیاء هویت اسلامی و تأثیر در بیداری اسلامی، تقویت و گسترش نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی، احیای مسئله فلسطینی و قدس شریف، عزت یافتن ایران در جهان و منطقه و ایجاد روحیه وحدت و برادری اشاره داشت.

همچنین از جمله دستاوردهای اجتماعی و علمی و مذهبی می‌توان به مواردی چون خودباوری و اعتماد به نفس ملی و احساس عزت ملی، افزایش عدالت اجتماعی، افزایش امنیت اجتماعی و قضایی، تحول در ارزش‌های اجتماعی، تلاش برای اسلامی کردن قوانین کشور و حذف مقررات غیراسلامی، مردمی شدن قوای مسلح

و سازمان دهی نیروی بسیج مردمی، کرامت بخشیدن به شخصیت زن و معرفی الگوی زن مسلمان، مبارزه با بی سوادی، افزایش ظرفیت مدارس، دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی، ارتقا و پیشرفت علمی و پژوهشی و تقویت روحیه تحقیق، احیای مفاهیم دینی، به وجود آمدن محیطی مناسب جهت رشد کمالات اخلاقی و انسانی، احیاء و گسترش تفکر دینی و همچنین فرایض دینی، پیوند و اتحاد بین مردم و مسئولان و خارج شدن معنویت از مهجوریت، اشاره نمود.

یا می توان از دستاوردهای اقتصادی به خدماتی و فناوری چون، جلوگیری از غارت ثروت کشور و بیت المال توسط خاندان شاهنشاهی، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، رشد و پیشرفت اقتصادی نسبت به قبل از انقلاب، تلاش برای خودکفایی، سازندگی و جبران عقب ماندگی های مادی کشور، پیشرفت درونزا و رشد و گسترش زیرساخت های کشور، تأمین نیازهای اساسی و رفاهی، رسیدن به بعضی از فناوری های جدید دنیا و... دستیابی به صنعت پیچیده، موردنیاز و حساس انرژی هسته ای، شکوفا شدن صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، احیای کشاورزی و صنعت دام کشور، محرومیت زدایی و رسیدگی به روستاهای کشور، پیشرفت در زمینه های پزشکی، درمانی و دارویی و اهتمام نظام به تولیدات و تولیدکننده داخلی یاد کرد.

در این فضای طرح دستاوردها، یکایک افراد ملت احساس می کند حضور او در صحنه، ضمن حفظ و صیانت از این مسیر

پیشرفت، به سرعت گرفتن آن کمک خواهد کرد و از این رو از مشارکت در انتخابات دریغ نخواهد کرد.

ارزش‌محوری و نقش اراده الهی در تحقق امور

بعد مهم دیگر فضای انتخاباتی ارزش‌محور، توجه به ساز و کار اراده الهی و نقش آن در توفیق و سعادت روزافزون ملت‌ها است. در فضای حاکمیت ارزش‌ها مردم با نیت و اراده‌ای خالص به میدان انتخابات پای گذارده و زمینه عنایت و کمک خداوند متعال را مطابق وعده‌های قطعی، فراهم می‌کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم در آیه «ان الحکم الا لله^۱» حاکمیت انحصاری و تکوینی خود در عالم را مطرح نموده است. به این معنی که در عالم، تنها خداوند است که اراده تحقق امری را داشته و دارد.^۲ این موضوع امروزه بخشی از باور عموم جامعه ایرانی نیز هست؛ اما در هنگامه انتخابات به این امر مهم و کلیدی توجه نمی‌شود که تاکید بر وعده‌ها، آن هم برپایه نگرشی که متصل به قدرت و خواست الهی نیست و عامل مهم پیشرفت کشور را نه خواست و اتکا به خداوند که خواست و اتکا به خود و حامیان می‌داند، شاید در ظاهر پیشرفتی را بوجود آورد اما با گذشت زمان و روشن شدن ثمره نهایی اقدامات، روشن می‌شود که تلاش‌ها نه تنها ثمره پیش‌بینی شده را نداشته و موجب غفلت از ظرفیت‌های دیگر

۱ یوسف، ۴۰.

۲ طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۷۷.

موجود و یا از دست دادن فرصت‌های گرانبها برای پیشرفت حقیقی و راهبردی کشور شده است.

چنین نگرشی در قرآن کریم مورد عتاب از سوی خداوند متعال قرار گرفته است؛ آنجا که در هنگام بی توجهی انسان به قدرت خداوند و سرپیچی از ارزش‌ها، با تعبیر «فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ؛ پس (ای بندگان) از درگاه یگانه معبود حق به کجا بازگردانیده (و فریفته معبودان باطل) می‌شوید؟» خطاب می‌شود. در مقابل، تن دادن به اراده و خواست خداوند و تعریف کردن همه امور ناظر به ارزش‌های الهی، مطابق قرآن کریم، مصداق حرکت نیکوکاران دانسته می‌شود و اسباب هدایت و توانمندی انسان‌ها را بوجود می‌آورد؛ چه آنکه خداوند متعال وعده داده است که ما پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.^۱

موضوع دیگری که نشان می‌دهد اساس پیشرفت اجتماعی در صورت اتکای به ارزش‌ها است، توجه و تبیین هدفدار بودن آفرینش جهان و انسان است. قرآن کریم، سراسر آیه و نشانه‌ای برای این امر است که جهان هستی بیهوده آفریده نشده است، بلکه همواره اجزاء و عناصر جهان دارای هدف و غرض است.^۲ اگر کسی به مشاهده

۱. وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و تصرف می‌کرد) ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم (یوسف، ۱۱۲).

۲. برای نمونه، رک: آل عمران ۱۹۱-۱۹۰

جهان هستی بپردازد، نظم و قانون حاکم بر همه اجزاء و عناصر آن رادرمی‌یابد و پس از تفکر در این زمینه است که آدمی پی می‌برد که این نظم حاکم بر عالم نمی‌تواند به خود اجزای جهان مستند باشد، بلکه باید به نیروی فوق عالم ماده و طبیعت متصل باشد، که هر آن فیض وجودی او انسان‌ها و جوامع را به سر منزل مقصود می‌کشاند. در این صورت، آیا انسان جز با در جریان قرار دادن خود با حرکت و مسیر تنظیم شده سعادت از سوی خداوند می‌تواند به این امر نائل آید؟ اگر در کشور ما بنای بر ایجاد زمینه سعادت دنیوی و اخروی است و هر دو هدف یعنی امنیت و رفاه دنیوی و رضایت الهی در آخرت دنبال می‌شود، آیا شخصی می‌تواند اداره امور خویش را به کسی یا کسانی بسپارد که به بخشی از حقیقت عالم پشت پا زده اند و شرط به هدف و مقصود رسیدن یعنی پایبندی به ارزش‌ها و تعریف کردن تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت ارزش‌ها را به معنی حقیقی کلمه، باور ندارند.

بُعد دیگر اهمیت و محوریت یافتن ارزش‌ها در فضای انتخابات، توجه به صحنه حقیقی تحولات و رخدادها است. تجربه گذشته همه جوامع این حقیقت غیرقابل انکار را نمایان ساخته است که خواست و اراده انسانی و تحقق آن وابسته به شرایط و وضعیت و بلکه اتفاقات و رخدادها در سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی است. ناکام ماندن برنامه‌ها و پروژه‌های کلان در هر سطحی به دلیل پیش آمدها و یا پیش نرفتن شرایط مطابق پیش‌بینی‌ها، امری کاملاً واضح است که حتی نظریات علمی مرتبط نیز همواره برای آن

جایگاه و فصلی جداگانه و مؤثر در نظر می‌گیرند. با این وجود، فضای حاکم وعده‌محوری در انتخابات از اساس متزلزل است. نباید به فضای فکری غلبه یافته به جهان مدرن نگرست که نشانه‌های روشن و بدیهی در امکان فرو ریختن همه طرح‌ها و برنامه‌های‌شان با یک حادثه یا مجموعه‌ای از رخدادها، را در چارچوب اتفاق تحلیل می‌کنند و بنابراین آن را استثنا می‌بینند. این در حالی است که نگرش ارزش‌محور خطی دیگر را دنبال می‌کند.

از زاویه نگاهی که از یک‌سو، ضمن توجه به تأثیر نیت‌ها و اقدامات انسانی، که اراده الهی را حاکم بر هر اراده‌ای می‌داند و از سوی دیگر تمامی رخداد‌های عالم را در فضای خواست و مشیت الهی معنی می‌کند و رخداد‌های خلاف خواست بشر را بخشی از قواعد مدیریت عالم توسط خداوند تفسیر می‌کند، وعده‌ها نیز تنها در پرتو دسته‌ای از مبانی یعنی تدبیر پیشین، تلاش مجاهدانه برای تحقق‌اش و در عین حال، خواست الهی معنا پیدا می‌کند.

ارزش‌ها، تضمینی برای تحقق وعده‌ها

نکته بسیار مهمی که در فضای انتخابات از آن غفلت می‌شود آن است که نظام جمهوری اسلامی، اهداف کلان، سیاست‌های رسمی و قوانین و سازوکارهای مشخصی را برای حرکت کشور تعیین کرده است اما تمامی این عناصر ذیل ارزش‌های اسلامی و

انسانی تعریف شده است. در این صورت چگونه می‌توان با کمک همین عناصر اما بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها و یا با تفسیر دلبخواهی و خلاف قوانین و سیاست‌های رسمی و کلان، که اساساً از دسترس رئیس جمهور قرار دارد، وعده‌هایی را طراحی کرده و بدان محوریت بخشید.

حقیقت این است که با محوریت یافتن ارزش‌ها، حتی وعده‌ها نیز معنا و مفهومی دیگر پیدا می‌کنند. وعده‌ها در ضمن نگرش‌های غیرالهی، هرچند صورتی از واقعیت را به نمایش گذارد، اما بیشتر ابزاری برای پیروزی در مبارزه و کسب آرای بیشتر تلقی می‌شود. اما در نگرش اسلامی، وعده‌های انتخاباتی مصداق قطعی عهد و پیمان شرعی دانسته می‌شود^۱ و نقض آن نه تنها مورد سرزنش قرار می‌گیرد، که از «گناهان کبیره» شمرده می‌شود^۲ و بنابراین نامزدها و حامیان با تمام توان خود را برای تحقق وعده‌ها مسئول می‌دانند.

باید تأکید کرد که در نگرش اجتماعی اسلام، وعده‌های انتخاباتی از حوزه وعده‌ای که میان چند فرد مطرح می‌شود و در نگاه اولیه به حقوق مدنی و فقه فردی تعلق دارد خارج می‌شود و از آنجا که با آثار حیاتی در سرنوشت کشور و بلکه امت مسلمان مؤثر است، باید در چارچوب روشن، با بررسی تمام جانب آن قبل،

۱. برای نمونه، رک: بقره، ۱۷۷.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ص ۳۱۴ و ۳۲۰؛ امام خمینی^{ره}، تحریر الوسیله، ص ۲۷۵.

اطمینان از قابلیت اجرا و تحقق مطرح شود. در این فضا نه نامزد و حامیان او حق طرح وعده‌ای را که هنوز به مقدمات آن نیاندیشیده‌اند، ندارد و عموم مردم نیز همواره با احتیاط و همچنین به عنوان یک ملاک و نه عنصر محوری، به وعده‌هایی که مطرح شده است، می‌نگرند.

تحقق مطالبات اصلی مردم در گرو حاکم شدن ارزش‌ها است

نکته دیگری که باید به عنوان یک دستورالعمل در تبیین اهمیت محوریت یافتن ارزش‌ها مورد تأکید قرار گیرد این است که مهم‌ترین مطالبات مردم از مسئولین در طول چند دهه گذشته، اموری است که در ضمن ارزش‌ها معنی و مفهوم و حتی امکان تحقق به شکل مورد رضایت مردم پیدا می‌کند. این موضوع هم در خصوص اهداف تعیین شده و هم ویژگی‌ها و روش‌های اقدام منتخب مردم قابل تبیین است. چنان‌که در ضمن حاکمیت ارزش‌ها مبارزه همه‌جانبه با فساد مبارزه با فاصله طبقاتی مبارزه با هرگونه ناامنی مادی و روانی و مواردی از این دست، نه به عنوان اهداف عمومی یک دولت بلکه به عنوان یک تکلیف و تعهد در برابر خداوند متعال مدّ نظر قرار می‌گیرد و منتخب مردم در این صورت، اجازه ذّره‌ای تخطی از این مسیر را به خود نمی‌دهد. همچنانکه اگر مردم امروزه در گفتگوها و نشست و برخاست‌های خود بر عدم محافظه‌کاری و جسارت در مقابله با فساد، عدم امتناع از بیان و توجه جدی به مشکلاتی که مردم به صورت روزانه با آن مواجه‌اند، کنار گذاشتن مسئولینی که از تخصص لازم برخوردار نیستند، دنبال دیگری و پیگیری مستمر

اجرائی شدن برنامه‌ها و پروژه‌ها، دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد ظرفیت‌های حضور و فعال شدن مردم در تمامی عرصه‌ها و مواردی از این دست تأکید دارند، این سیره و منش، جز از کسی که حیات خود را با ارزش‌ها تعریف کند، ظهور نمی‌کند.

بعلاوه، مشکلات جدی و پیچیده‌ای در کشور نیز وجود دارد که بیش از هر امر، نیازمند عدم مواجهه شتابزده، شعارگونه یا جناحی است و مشکلاتی که حل آن بیش از هر امری نیازمند مدیریت و ایجاد تعامل بین دستگاه‌ها و نهادها است. با اطمینان می‌توان گفت حل این مشکلات نیازمند روحیه اعتماد به نفس و تلاش همه‌جانبه است؛ که تنها در فضای ارزش محوری می‌توان بدان امید داشت.

مشکلات گوناگون اقتصادی همچون تورم و افزایش قیمت‌ها با مشکلات اجتماعی چون طلاق و فحشاء و... و مواردی از این دست، مسائلی نیست که با راهکاری خلق الساعه و با دستور حل شود و به یقین، حاکمیت ارزش‌ها، به معنی به میدان آوردن همه امکانات و توانایی‌های کشور برای حل مشکلات با روحیه جهادی و خستگی‌ناپذیر خواهد بود.

ارزش‌ها و اطمینان از کارگزاران اصلح

ثمره مهم دیگر محوریت یافتن ارزش‌ها، ضمانتی جدی برای تلاش یک جریان در بها دادن به افراد متخصص و

متعهد است. افرادی که نسبتی با فساد و تبعیض و... ندارند و بلکه مسئولیت را محل خدمت همه جانبه به مردم و امانتی از سوی خداوند می بینند.

در یک مدیریت وسیع و اثربخش، گزینش مسئولان و کارگزاران، از حیاتی ترین امور است و در چنین نقاط حساس و حیاتی، اهمیت ارزش محوری خود را به شکل جدی نشان می دهد. در قرآن کریم نسبت به گزینش انسان ها و بکارگیری شان در امور اجتماعی، دستور مستقیم از سوی خداوند متعال وجود دارد. در آیه ۵۸ سوره نساء تاکید می شود که امانات را به اهل آن بسپارید؛ و بررسی مفسران به این نتیجه ختم شده است که مقام ها و منصب های دنیوی از مهم ترین امانات هستند که باید به اهل آن سپرده شوند.^۱ این موضوع در عمل و گفتار ائمه معصومان علیهم السلام به شکل کاملاً مصداقی قابل مشاهده است و نتیجه آن را می توان در تعبیر «شایسته سالاری» خلاصه کرد؛ شایسته سالاری به معنی انتخاب اشخاص با ویژگی های قطعی و آزمون شده ای چون^۲ امانتداری و اهل مبارزه با خیانت به مردم، صداقت و روراست بودن در تمامی نیت ها، اقدامات و تعاملات، همچنین، تقوا، دیدن مستمر خویش در نزد پروردگار و اطاعت پذیری تام از دستورات او، در کنار برخورداری

۱. برای نمونه، رک: زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۵۲۳؛ طبرسی، مجمع البیان،

ج ۳، ص ۱۱۲؛ طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۸۷.

۲. برای اطلاع بیشتر از جایگاه و نقش هر یک از موارد زیر، رک: توکلی و گائینی،

مدیریت منابع انسانی، ج ۱، ص ۷۵-۱۶۱.

از دانش و علم لازم و روحیه و توان لازم برای بهره‌مندی از بهترین نظرات کارشناسی، و در نهایت، برخورداری از توان تشخیص و تصمیم‌گیری به موقع و مدیریت و نظارت موثر بر امور، است. مبتنی بر آنچه گذشت، امری که می‌تواند مشارکت سیاسی مردم را افزایش دهد و در عین حال به انتخابی موفق و در جهت اعتلای نظام اسلامی منجر گردد، نه تأکید و محوریت دادن به وعده‌هایی چون گشایش اقتصادی، آزادی‌های سیاسی و... بلکه دنبال کردن پیشرفت همه‌جانبه کشور و رفاه و معنویت توأمان ملت در ضمن ارزش‌ها است؛ چرا که ارزش‌ها هم از این جهت که در چارچوب و قوانین کشور ملاک عمل قرار گرفته است، هم از این منظر که با وجود ارزش‌ها، تمامی فرایندهای انتخابات صورتی عقلانی و منطقی به خود می‌گیرد و هم از این جهت که رئیس‌جمهور در فضای ارزش‌ها، با به‌کارگیری توأمان تخصص و تعهد به خدمت شبانه‌روزی و مخلصانه برای مردم می‌انجامد. فضای عمومی در این صورت نه تنها با اشتیاق به مشارکت می‌اندیشد که مردم، در انتخاب افراد نیز با دقت بیشتری اقدام خواهند کرد.

گفتار ۴

تاریخ انتخابات و فرصت کنونی حاکمیت ارزش‌ها

همه انقلاب‌های مهم دنیا دارای پشتوانه‌ای فکری هستند که اگر از چنین پشتوانه‌ای محروم باشند، حتی در صورت پیروزی، انقلابیون در تشکیل نظام سیاسی - اجتماعی جدید دچار مشکل خواهند شد. انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های بزرگ جهان، انقلابی برآمده از پشتوانه قوی فکری بود. در دوره ۶۰ ساله پهلوی، تمام تلاش فضای فرهنگی و رسمی کشور، نهادهای حکومتی و جریان‌های روشنفکری، در جهت نفی و طرد اسلام و اسلام‌گرایی بود. به تعبیری بارزترین مشخصه مدرنیسمی که جریان روشنفکری غیرحکومتی و حکومتی دنبال می‌کرد، سکولاریسمی بود که به نفی و طرد دین منتهی می‌شد. اما با انقلاب اسلامی و هنر بازسازی گفتمانی که توسط امام راحل و یاران ثابت قدم او شکل گرفت، ورق برگشت. باین حال جریانات فکری متعددی در درون حامیان انقلاب حضور داشتند و مرور تاریخ نشان می‌دهد که تلاش‌های خالصانه امام خمینی و یاران او درپرتو عنایات حضرت حق تعالی، نظام را به نقطه کنونی رسانده است. اما این پشتوانه در

مورد انقلاب اسلامی چگونه تاکنون به کمک عبور از موانع آمده‌است. چه خطی از سوی رهبران دنبال شده است؟ فصل حاضر با عنایت به این نکته مهم از بیانیه گام دوم انقلاب که برای برداشتن گام‌های استوار، باید به درستی گذشته را شناخت، تنظیم شده است.^۱

مرور حوادث به خوبی نشان می‌دهد رهبران انقلاب همواره عظم جدی در محوریت دادن به ارزش‌ها و حاکم نمودن آنها بر فضای انتخابات داشته‌اند. در ادامه به برخی از گام‌های برداشته شده در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی در جهت حرکت به سوی حاکمیت ارزش‌ها و مقابله با خط وعده‌محوری، پرداخته می‌شود. در نهایت روشن خواهد شد که اقشار گوناگون جامعه کنونی آمادگی کامل برای تن دادن به فضای انتخابات ارزش‌محور دارد.

مقابله با نگرش‌های سکولار و لیبرال

پس از پیروزی انقلاب، صحنه‌هایی از حضور نگرش ملی‌گرای سکولار به خوبی قابل مشاهده است.^۲ مهم‌ترین «ایده» این گفتمان، حکومت غیردینی بود.^۳ ملی‌گرایان مخالف حضور

۱. برای اطلاع بیشتر، رک: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۲. برای اطلاع بیشتر، رک: پورعلی‌گنجی، گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ۵۰-۶۱.

۳. بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۹.

روحانیت در سیاست و به طور کلی حکومت دینی بودند.^۱ اما شورای انقلاب گام محکمی در این جهت برداشت و برای نمونه، به تصویب قانون مطبوعات اقدام نمود تا روزنامه‌ها و نشریه‌های وابسته به گفتمان ملی‌گرایی که از مخالفان سرسخت اسلام‌فقهاتی به شمار می‌آمدند^۲، نتوانند به نگرشی که در مقابل اسلام ناب بود، ضربه وارد کنند. همچنین جبهه ملی همواره بر حکومت غیردینی تأکید داشت و بازسازی جامعه براساس احکام اسلامی را در دنیا جدید ناممکن می‌دانست و بر لزوم مطابقت با معیارهای حقوقی غرب پای می‌فشرد.^۳ در مقابل اما رهبری و ارکان نظام اسلامی با تمام توان اجرای احکام شرعی را در سراسر امور مربوط به حکومت لازم دانستند و به شدت در مقابل این جریان ایستادند. حتی هنگامی که جبهه ملی در خردادماه سال ۶۰ بیانیه‌ای علیه لایحه اسلامی قصاص صادر کرد و ضمن غیرانسانی خواندن این حکم اسلامی، هواداران خود را به راهپیمایی دعوت کرد، امام خمینی علیه السلام، ارتداد جبهه ملی را اعلام کرده و به دیگر جریان‌های سیاسی نیز تکلیف کردند تا موضع خود را با این موضوع روشن کنند. گام بعدی اما در فضای قائلان به اسلام سیاسی تعریف می‌شد. آن دسته از جریان‌های اسلامی گفته می‌شود که اسلام را دینی،

۱. همان، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۶۱-۷۰.

۳. فوزی، تحولات سیاسی — اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، ص ۳۸۰-۳۸۱.

سیاسی می‌داند^۱ و گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است.^۲ دین تنها یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه هیئت آدمی را دربرمی‌گیرد.^۳ بنابراین، اسلام دارای نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست است. از این رو از مفهوم‌ها و تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت موجود جامعه‌های اسلامی استفاده می‌کنند و بازگشت به اسلام را برای درمان آسیب‌ها و بحران‌های جامعه معاصر خواستارند. اما اسلام سیاسی در ایران اسلامی شامل گفتمان‌های گوناگونی بود که برخی با ارزش‌های انقلاب فاصله داشتند.

برای نمونه در نگرش اسلام سیاسی روشنفکری لیبرال، بر تلفیق دین با دموکراسی، تأکید بر شورا و قانون و آزادی سیاسی، تأکید می‌شد.^۴ این جریان با تأکید بر آزادی و دموکراسی و با تفسیر لیبرال از متون شیعی، به دنبال یاری گرفتن از مذهب در رویارویی با استبداد کهن ایرانی و ایجاد حکومتی دمکراتیک مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بود. این فرهنگ بیشتر توسط روشن‌فکران دنبال می‌شد. از نتایج نگرش این گروه، تأکید بر دموکراسی و شورا به جای ولایت فقیه و نظارت فقیهان بود. جریان نهضت آزادی چنین تصویری را داشت و در مرامنامه خود در زمینه ولایت فقیه بیان

۱. فوزی، اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، ص ۶۲.

۲. بابی، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ص ۲۰.

۳. همان.

۴. بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، ص ۳۲.

می‌کند: «ما نه اعتقاد داریم و نه قبول می‌کنیم که ولی فقیه را خداوند برگزیده و او خلیفه خداست، بلکه ما می‌گوییم در قانون اساسی، ارگانی به نام رهبری وجود دارد و رهبر از سوی مجلس خبرگان که اعضای آن از سوی مردم انتخاب می‌شوند برگزیده می‌شود و اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی، مشخص شده است.» «ما به اصل نظام ولایت فقیه اعتقاد نداریم، بلکه فقط به آن پایبندیم»^۱.

در نوروز ۱۳۶۳ و همزمان با شکل‌گیری فضای انتخاباتی در کشور، اعضای نهضت آزادی تلاش کردند تا چند کرسی را در مجلس شورای اسلامی تصاحب کنند اما زمانی که با نظارت استصوابی شورای نگهبان رد صلاحیت شدند اقدام به هجمه علیه انتخابات، مجلس و شورای نگهبان کرده و با تحریم انتخابات مردم را به عدم شرکت در انتخابات تشویق کردند. اما امام راحل با قدرت در برابر این نگرش نیز ایستادند و با تبیین امر برای عموم مردم، مانع اقدامات بیشتر آنان شدند و در نهایت در سال ۱۳۶۶ خطاب به وزارت کشور اعلام کردند که «نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند؛ و ضرر آنها، به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروه‌های دیگر، حتی منافقین بیشتر و بالاتر است.» «نهضت آزادی» و افراد آن از اسلام

۱. مرامنامه نهضت آزادی، الحیات (۱ مرداد ماه ۱۳۷۹).

اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی‌الموالی امیرالمؤمنین را در نصب ولات و اجرائی تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را - نعوذ باللّه - تخطئه [نمایند]، بلکه مرتد بدانند! و یا آنکه همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است. نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود، و نباید رسمیت داشته باشند»^۱.

همین نگرش و مواجهه‌ها بود که باعث بیداری مردم می شد، تا آنکه در دوره شهید رجایی، اسلام سیاسی - فقاهتی توانست سه رکن اصلی کشور یعنی هیئت دولت، اکثریت مجلس و شورای عالی قضایی را در اختیار گیرد و ملی گراها (اسلام سیاسی لیبرال و ملی گرای سکولار) در اقلیت قرار گیرند. با این حال، تلاش‌های امام خمینی علیه السلام و یاران او در این مسیر ادامه داشت و عزل آیت الله منتظری و بازنگری در قانون اساسی، آخرین تلاش‌هایی بود که امام خمینی علیه السلام با تدبیر و شجاعت در جهت صیانت از ارزش‌ها در فضای سیاسی کشور، بدان اقدام نمودند. اما جا دارد تا به برخی افکار و اندیشه‌های حاکم بر فضای سیاسی کشور از سال ۱۳۶۸ که با رهبری آیت الله خامنه‌ای آغاز گردید نیز، اشاره شود.

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۸۱ و ۴۸۲.

حاکمیت وعده‌های اقتصادی و اجتماعی بر فضای ایران

پس از جنگ تحمیلی، اهداف اقتصادی در اولویت برنامه دولت وقت قرار گرفت و همین رویکرد فضای حاکم بر عرصه رقابت‌های سیاسی را به شدت متأثر ساخت. در این دوره تاکید می‌شد که کشور به نوعی ثبات سیاسی نیازمند است تا بتواند بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی را فراهم آورد؛ و می‌توان گفت به تدریج ارزش محوری به حاشیه رفت.

جای تردید باقی نبود که روی آوردن به توسعه اقتصادی و اقتصاد بازار آزاد و ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاران به تقویت شرکت‌های خصوصی در عین حال که از جهاتی کشور را پیش می‌برد، اما اسباب حاکمیت وعده‌های اقتصادی را در فضای انتخابات به وجود می‌آورد. همین روند به شکلی دیگر در فضای انتخابات در سال ۱۳۷۶ رخ نمود. نامزد ریاست جمهوری، با وعده آزادی‌های سیاسی و مدنی روی کار آمد. در چنین فضایی از محوریت یافتن وعده‌ها، اعلام شد که با شرایطی و در جهت پیشرفت کشور، برقراری رابطه با آمریکا را ممکن و حتی لازم دانسته می‌شود. و این روند بها دادن به وعده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با فراز و نشیب تا زمانه حاضر ادامه داشته است. در اینجا نمی‌توان از نقش موثر مطبوعات رسانه‌ها سخن به میان نیاورد. می‌توان گفت از آغاز دهه هفتاد شمسی در ادامه روند تدریجی و نسبی آزادی مطبوعات، نشریاتی با رویکرد ملی‌گرای سکولار و

اسلام سیاسی روشنفکر وارد عرصه رقابت مطبوعاتی شدند و تاثیر زیادی در جهت دهی به فضای سیاسی کشور به ویژه در بازه برگزاری انتخابات‌های چند دهه اخیر داشتند.

عروج شهید رئیسی و فرصت حاکمیت ارزش‌ها

نوشته حاضر فرصت و امکان ورود به تحلیل آنچه در طول دو دهه گذشته بر فضای سیاسی کشور گذشته را ندارد اما می‌توان با اطمینان گفت که روسای جمهور منتخب در طول چند دهه گذشته عمدتاً در فضای مناقشات سیاسی و با هجمه و فشار وعده‌ها و هیجانات به وجود آمده، روی کار آمدند. اما خبر رخدادی در ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ تمامی ایران را عزادار کرد. بالگرد حامل رئیس جمهور حجه الاسلام دکتر رئیسی، در حالی که وی مطابق برنامه‌ای فشرده به خدمت‌رسانی به مردم می‌پرداخت، سقوط کرد. این خبر برای بیشتر مردم قابل باور نبود و در عین حال، شوک عجیبی را به فضای سیاسی کشور وارد کرد.

رخداد سقوط بالگرد رئیس جمهور، آغازی بود بر کنار رفتن پرده‌ها از مقابل شخصیت و اقدامات او. بلافاصله وی به سیدالشهدای خدمت شهرت یافت. اخلاص او سبب شده بود تا کمتر کسی از تلاش‌های او از آغاز انقلاب و روحیه و شخصیتش اطلاع کافی داشته باشد. اما پس از این عروج شهادت گونه، به تدریج این فضا غلبه یافت که ارزش‌های انقلاب در این ایشان ظهور و بروز داشته است.

همین امر سبب شد تا مراسم تشییع او با حضور بی نظیر مردم پس از تشییع امام خمینی علیه السلام، انجام گردد. پس از حاکم شدن چنین فضایی رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«[ایشان]، هم در دوران حیاتش خالصانه خدمت کرد و خدمت‌های بزرگی کرد، هم بعد از درگذشتش یک چنین خدمت بزرگی به کشور کرد با این اجتماع مردم. اینکه مردم به مجرد شنیدن حادثه، در شهرهای مختلف، در تهران، در مشهد و در جاهای دیگر بیایند در مساجد یا میدانها اجتماع کنند، خیلی معنا دارد؛ این علاقه‌ای که مردم به ایشان نشان دادند، این وفاداری‌ای که به ایشان نشان دادند، خیلی معنا دارد. ایشان مظهر شعارهای انقلاب بود؛ یعنی همان حرفهای اصلی انقلاب از دهان ایشان خارج میشد و این شعارها را ایشان شعارهای خودش قرار داده بود و مردم اینها را از ایشان شنیده بودند. همین مردم دارند این احساسات را برای این مرد نشان میدهند؛ معنای این چیست؟ معنایش این است که مردم به این انقلاب و به این شعارها دل بسته‌اند.

این سران کشورها که آمدند با ما ملاقات کردند، دیدم بعضی از آنها هم متوجه این نکته هستند که این تشییعی که از ایشان شد، در واقع، قوت جمهوری اسلامی را برای همه‌ی دنیا پیام میدهد؛ می‌فهمند که این فکر، این منطق، این مکتب، این قدر بین این مردم ریشه‌دار است. همه چیز هم مردمند؛ یعنی وقتی که مردم با یک نظامی باشند، قوت اصلی نظام از ناحیه‌ی علاقه‌ی مردم است. سرمایه‌ی اجتماعی از این بالاتر؟ این اجتماع، این گریه، این اندوه

عمومی، نه فقط در تهران، [بلکه] در کلّ کشور؛ سرمایه‌ی اجتماعی از این بالاتر؟ چه کسی این [کار] را کرد؟ چه کسی این را در چشم دنیا آورد؟ آقای رئیسی؛ ایشان کرد این کار را. اینها خیلی مهم است.

... این داغ [برای خانواده‌اش، برای کسانش، برای همه‌ی دوستانش، برای همه‌ی ماها داغ بزرگی است، سنگین است، گریه دارد، غصّه دارد؛ اینها به جای خود محفوظ، اما آن جنبه‌ی قضیه، آن روی دیگر قضیه را هم باید دید که خدای متعال در این حادثه‌ی تلخ چه برکتی قرار داد؛ در این تهدید، خدای متعال چه فرصتی را برای کشور و برای نظام و برای اسلام قرار داد.»^۱

بیانات رهبر معظم انقلاب حاوی چند پیام صریح بود. نخست آنکه این رخداد سبب حاکم شدن فضای ارزش‌های انقلاب شده است. دیگر آنکه مردم نیز با حضور خویش ثابت کردند که به ارزش‌ها همچنان پایبند هستند. و سوم آنکه، روی دست گرفتن شعارهای انقلاب و اشتیاق از صاحب این شعارها، آبرویی برای نظام اسلامی در سطح جهان بود. اما جمله پایانی نشان از ماموریت و رسالت برجای مانده و قابل استفاده از این رخداد دارد.

اکنون تمامی تحلیل‌گران معتقدند کشور در شرایط بی‌سابقه‌ای،

۱. بیانات در جمع خانواده و نزدیکان شهید حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی؛

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5654>؛ ۱۴۰۲/۳/۲

وارد بازه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شده است. چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی انجام می‌شود که امکان حاکم نمودن ارزش‌ها بر فضای انتخابات بیش از هر دوزه دیگر وجود دارد. مراجعه به آراء و دیدگاه‌های عموم نخبگان البته نشان می‌دهد که فضای کلی کشور به برکت وجود آن شهید، تحت تاثیر قرار گرفته است اما این فرصت عظیم می‌تواند با غفلت جبهه انقلاب از دست رود و صحنه انتخابات بار دیگر تبدیل به صحنه وعده محوری و رفتارهای تحریفی و تخریبی مبدل گردد و منجر به تصمیمات هیجانی شود. چه آنکه تجربه ادوار گوناگون انتخابات نشان داده است که اگر محور اقدامات نامزدها در معرفی خود و چه در طرح برنامه‌ها و همچنین در نقد اقدامات جریانات و احزاب یا مسئولین پیشین مبتنی بر فضای حاکمیت وعده‌ها باشد و اگر برنامه ریزی و راه حل و وعده بی‌نسبت با ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد، این امر به اختلاف و درگیری بیشتر میان نامزدها و حتی میان نامزدهایی که پایبندی جدی‌تری به اصول و مبانی انقلاب اسلامی دارند، می‌انجامد. نباید اجازه داد که ارزش محوری در گفتمان رئیس جمهوری که با روی دست گرفتن ارزش‌ها روی کار آمد و جان خویش را نیز در این مسیر تقدیم کرد و برکت و عزت و آبرویی که از این طریق در داخل و خارج برای نظام به وجود آمد، در فضای آشفته انتخاباتی از بین رود.

فصل سوم

مشارکت و انتخاب اصلاح؛
چرا و چگونه؟

پیش از هر سخن درباره چرایی و چگونگی شرکت در انتخابات بر اساس دوگانه ارزش محوری و وعده محوری، باید اشاره‌ای به عوامل موثر بر فضای انتخاباتی کشور و نقطه تمرکز نوشته حاضر پرداخت.

پنج عامل انسانی مهم در فضای انتخابات در کشور وجود دارد که هم از فضای دوگانه ارزش محور یا وعده محور، تاثیر می‌پذیرند و هم بر حاکمیت ارزش‌ها یا وعده‌ها بر فضای انتخاباتی، تاثیر می‌گذارند.

نخست باید از مردم یاد کرد. مردم در طبقات گوناگون با سلايق و نگرش‌های گوناگون، با درکی که از نیازهای خود دارند و نگرشی که به نظام اسلامی و همچنین نامزدها دارند، می‌توانند در تعاملات و ارتباطات شان تاثیر بپذیرند یا تاثیرگذار باشند. عامل مهم دیگر نامزدها و حامیان آنها هستند. در فصل‌های پیشین به ابعاد تاثیر نامزدها و حامیان آنها اشاره شد. تمامی نامزدها از پشتوانه فکری برخوردارند و احتمالاً حجمی از حمایت‌های گروهی و حزبی را نیز در اختیار دارند. آنها می‌توانند نماینده فضای ارزش محور باشند و می‌توانند نمایند فضای وعده محور باشند؛ در این بین البته بسیاری کسانی که خود را با توجه به فضای کشور، پایبند به ارزش‌ها معرفی کرده اما در عمل، پیروزی در انتخابات را در فضای وعده محور دنبال می‌کنند.

طرف سوم موثر، دستگاه‌های اجرایی و نظارت کننده بر فرایند برگزاری انتخابات است. برخی از دستگاه‌ها همچون وزارت کشور مدیریت برگزاری انتخابات را برعهده دارد. شورای نگهبان بر تمامی فرایند نظارت کرده و در تایید صلاحیت نامزدها و در نهایت تایید آراء مردم در حوزه‌های انتخابیه نقش بسیار مهمی دارد. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان راس ارائه تبلیغات و برنامه‌های نامزدها و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور مردم در پای صندوق‌های رای نقش اساسی را ایفا می‌کند؛ و...

عامل مهم و اثرگذار دیگر، رهبری معظم انقلاب و نمایندگان ایشان در دیگر شهرها یا سازمان‌ها و نهادها هستند که با رهنمودها و هدایت‌های شان درباره تمامی اجزاء و ارکان انتخابات، تا حد توان از آفت‌های ممکن و انحراف‌های احتمالی، جلوگیری به عمل می‌آورند. و بالاخره، عامل مهم دیگر عناصر و نهادهای وابسته به انقلاب اسلامی هستند که با بی‌طرفی به تقویت جبهه انقلاب در هر عرصه‌ای چون انتخابات می‌اندیشد و اقدام می‌کنند.

مرور عوامل موثر فوق این نکته را نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تحوّل فضای انتخاباتی کشور و حاکم شدن ارزش‌ها به اصلاح سازوکارها و از جمله قوانین و اجرای قوانین برمی‌گردد؛ موضوعی که نوشته حاضر گنجایش آن را ندارد و امید است در نوشته‌ای مستقل به آن بپردازیم.

در این فصل، بحث تنها به رابطه دورکن اصلی انتخابات یعنی انتخاب کنندگان (مردم) و انتخاب شونده (نامزدها)

و حامیان شان) اختصاص دارد. این رابطه را در ذیل دو مساله اساسی رایج در میان مردم یعنی «چرا باید در انتخابات شرکت کنیم» و «به چه کسی رای دهیم» دنبال خواهیم کرد. اینجا است که تحقق موفقیت مردم در زندگی مادی و معنوی شان و پیشرفت کشور، بستگی به حاکم شدن فضای ارزش محور برای مشارکت مطلوب و انتخاب فرد اصلح دارد.

مقدمه چینی صورت گرفته در دو فصل نخست، بررسی های مبنایی انجام شده در باب مبانی مردم سالاری دینی، همچنین تعاریف، نشانه ها، آسیب ها و ظرفیت های ارائه شده در باب دو فضای «ارزش محوری» و «وعده محوری» در فصل های بعدی، همه و همه عناصری بود تا دوگانه مورد تاکید در ایده ارائه شده را در اذهان شکل دهد و با ایجاد شاخصه هایی برای هر یک، بینش مخاطبان را ارتقاء داده، قدرت تشخیص مخاطبان را بالا برد و روش لازم را بر تبیین این دوگانه در اختیارشان گذارد. پیشنهاد می شود قبل از مطالعه این بخش و برای آکادگی ذهنی بیشتر، پیوست ۱ نوشته حاضر - در پایان کتاب - مشاهده شود.

گفتار ۱

چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟

تاکید بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و وعده‌ها، بازی در زمین دشمن است.

از جمله گفتگوها و مباحثات سیاسی در جامعه، موضوع مشارکت یا عدم مشارکت است. در بسیاری از تحلیل‌ها و حتی رسانه‌هایی که به انقلابی بودن معروف و مشهورند، مشارکت مردم بر انتخابات فرع وضعیت اقتصادی مردم و رضایت مردم از زندگی شان دانسته می‌شود؛ برای نمونه تاکید می‌شود:

«درباره راه‌های افزایش مشارکت در انتخابات هم باید بگویم که میزان مشارکت در انتخابات و حضور مردم رابطه مستقیمی با عملکرد و کارآمدی دولت‌ها دارد. یعنی هر میزان که دولت کارآمدتر باشد، می‌تواند آمار مشارکت در انتخابات را هم بالا ببرد... بر این اساس، تلاش دولت در روزهای باقیمانده تا انتخابات باید بر حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم متمرکز باشد»^۱.

در فصل گذشته، نشان داده شد که اهمیت مسائل اقتصادی و مثل آن در مشارکت، ریشه در فضای

1. <https://kayhan.ir/fa/news/283267>.

وعده محور دارد. در کشور ما این موضوع سال‌ها است توسط بسیاری القا می‌شود که محدود شدن معیشت مردم باعث جدایی تدریجی آنان از نظام اسلامی خواهد شد. این در حالی است که ملت ایران در طول سال‌های گذشته نشان داده است که امور دیگری برای او مهم‌تر از مسائل اقتصادی‌اند و آن اموری است که به ارزش‌ها بازگشت دارد. ملت ایران می‌داند با وجودی دشمنی دشمنان، تاکید بر ارزش‌ها است که پایه‌های نظام را محکم‌تر کرده و رفاه و آبادانی مستمر را برای آنان و نسل بعدی محقق می‌سازد.

در اهمیت و اولویت امور دیگری برای مردم همین بس که حضور ملیونی مردم در تشییع سردار سلیمانی و همچنین شهید رئیسی که نماینده ارزش‌های انقلاب بودند، نشان می‌دهد حتی کسانی که طرفدار ارزش‌های انسانی و نه لزوماً اسلامی چون عدالت و مقابله با ظلم هستند، سر توابع در مقابل تلاش‌ها و کوشش‌های این افراد فرود آوردند.

نکته دیگر آنکه حرکت در فضای وعده محور یعنی مشروط کردن همه چیز به اوضاع اقتصادی و باید دانست که ایران اسلامی به دلیل حجمه‌ها و دشمنی‌های بی‌سابقه در صحنه بین‌المللی برای عبور از این وضعیت راه آسانی را در پیش ندارد. روی دست گرفتن شعار مهم «مقاومت» از سوی رهبر انقلاب نیز نشان می‌دهد؛ اتکا به وعده‌ها، بازی کردن در زمین دشمنان است؛ آن‌انکه هر روز با فشارها، تهدیدها و تحریم‌های خود جلوی رفاه و آسایش مردم را

می‌گیرند. از طرفی کشور ما از جهت اقتصادی همچنان دارای خلأها و خلل‌هایی است که دشمن از این طریق قصد ضربه زدن به ما را داشته است. بنابراین در چنین شرایطی تأکید بر مسائل و وضعیت اقتصادی صرف، سخن گفتن در فضای وعده محوری و بازی در زمین دشمن است. موضوعی که در گفتار دوم از فصل سوم به آن پرداخته شد.

نامزدهای انتخاباتی نیز باید بدانند که به پای صندوق کشاندن مردم بر اساس وعده‌های اقتصادی صرف، حرکت در زمین بازی دشمن است. به ویژه آنکه تجربه نشان داده است اگر به هر دلیل وعده‌ها عملی نشود، مردم نسبت به مشارکت‌های بعدی خود بسیار مردد می‌شوند. این بیان بسیاری از مردم که «فقط شعار داده نشود» حاکی از چنین برداشتی است.

نامزدهایی که پایبند به ارزش‌ها هستند اما در این مسیر قرار می‌گیرند، باید بدانند که نامزدهای دیگر دستی به مراتب پر تر در مطرح کردن وعده‌های کلی و جذاب در فضای هیجانی به وجود آمده خواهند داشت.

تنفس در فضای وعده محوری، مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت
اما فارغ از چنین فضایی، باید چگونه عمل کرد؟ به طور معمول برای عدم شرکت در انتخابات سه دلیل مطرح می‌شود؛ که عبارتند از:

۱. با وجود چالش‌ها و مشکلات متعددی که در عرصه اقتصاد،

فرهنگ و ... وجود دارد و فشاری که به کسب و کار مردم و معیشت آنان وارد آمده و...، چرا باید در انتخابات شرکت کرد؟

۲. تجربه‌های قبلی ما نشان داده است که شرکت در انتخابات چندان مفید نیست و تغییری در مسیر کشور محسوس نبوده است.
۳. وقتی نظام اجازه شرکت در فرایند انتخابات را به برخی از نامزدها نمی‌دهد، کسی نخواهد ماند که بتواند کشور را پیش ببرد و از این رو دلیلی برای مشارکت باقی نمی‌ماند.
در اینجا جا دارد دلایل مطرح شده برای عدم مشارکت و همچنین دلایل مطرح شده برای مشارکت را ریشه‌شناسی شود.

مطابق آنچه در فصل‌های قبل مطرح شد، به خوبی می‌توان فهمید که تمامی دلایلی که از سوی بخشی از مردم برای عدم مشارکت مطرح می‌شود، به تنفس افراد در فضای وعده‌محوری برمی‌گردد.

در مورد دلیل نخست، همانگونه که اشاره شد این نگاه ریشه در فضایی است که از چند دهه گذشته توسط برخی گروه‌ها و به تقلید از فضای انتخاباتی غرب، به فرهنگ ما وارد شده است. محسوس نبودن تغییر با شرکت در انتخابات نیز به طور عمده از سوی کسانی مطرح می‌شود که باز نسبت به وضعیت اقتصادی یا اجتماعی خود رضایت کافی ندارند. اما در مورد دلیل سوم، در گفتار دوم از فصل دوم نشان داده شد که چگونه در فضای وعده‌محوری می‌توان نهادهای مسئول در تایید صلاحیت نامزدها را زیر سوال برد. بر این اساس اقدامی که باید صورت بگیرد، حاکم کردن

فضای ارزش‌ها است.

پیشانی و نقصان در پاسخ به طرفداران عدم مشارکت

بررسی‌ها نشان می‌دهد در پاسخ به سه عامل مطرح شده برای عدم مشارکت، به طور معمول سه پاسخ زیر مطرح از سوی طرفداران مشارکت مطرح می‌شود.

۱. به رغم همه مشکلات، برای ادامه حرکت پیشرفت کشور و دستاوردهای بسیار بدست آمده، باید شرکت کرد. در این پاسخ به طور معمول، دستاوردها و نتایج تلاش‌های گذشته در کشور مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۲. به رغم همه مشکلات، برای نشان دادن انسجام در مقابل دشمن و پیشگیری از تهدیدها، باید در انتخابات شرکت کرد.

این دلیل معمولاً با تاکید بیشتر بر یکی از مفاهیم مشخص شده و با تعبیری چون «تمام تلاش دشمن این است که مردم را از انتخابات ناامید کنند» یا «مشارکت حداکثری مردم در انتخابات نظام را واکنش می‌کند»، «انتخابات، اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و قدرت چانه زنی در صحنه بین‌المللی را بیش از پیش افزایش می‌دهد» و «حضور پررنگ مردم در انتخابات، سیاست‌های جهانی را تغییر خواهد داد» و... مطرح می‌شود.

۳. به رغم همه مشکلات، برای بیعت مجدد با نظام اسلامی، رهبری و تقویت اسلامیت و جمهوریت در نظام، باید شرکت کرد. در این بیان با تاکید بر مفاهیم فوق و با تعبیری چون بر «حضور حداکثری در انتخابات بیعت مجدد با جمهوری اسلامی است»،

«رای دادن به منزله بیعت مجدد با رهبری است»، «انتخابات نشانه بلوغ دموکراسی دینی است»، «انتخابات نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی متکی به آراء مردم است»، «پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بر دوش آحاد مردم استوار است» و ... است.

ممکن است بدون فرض دو گانه ارزش محوری و وعده محوری، دلایل یاد شده مناسب به نظر رسد اما بر اساس این دوگانه، پاسخ‌ها به مرکز اصلی خود یعنی ارزش‌ها ارتباط پیدا نکرده است؛ و این ارتباط زمانی برقرار می‌شود که تصمیم‌گیری در دو گانه وعده محوری و ارزش محوری مطرح شود. مخاطب باید بدانند که اکنون زیر چتر وعده محوری قرار گرفته است و بدان تعلق حقیقی ندارد.

درک این فضای دوگانه زمانی است که ریشه‌های فکر مخاطب به او نشان داده شده و سپس صورتی روشن و همه جانبه از ارزش‌های انقلاب اسلامی و حرکتی که در آن مسیر صورت گرفته، نزد او ترسیم گردد. در غیر این صورت، مخاطب با شنیدن دلایل یاد شده، می‌تواند به پاسخ‌های ذهنی که پیش تر همان رسانه‌های تاثیرگذار بر او در اختیارش گذاشته اند، مراجعه کند. در این فضا، دست‌آورد برای جمهوری اسلامی تا زمانی که برای نمونه در سفره مردم و معیشت آنها خللی وجود دارد، بی معنا دانسته می‌شود. سخن گفتن از دشمن، نوعی عقب‌نشینی و دست خالی بودن نظام از دفاع از خود تفسیر می‌شود و بیعت با رهبری امری خوانده می‌شود که فرار رو به جلو برای پوشاندن وضعیت فعلی جامعه

است.

تصویر روشن از ارزش‌های انقلاب اسلامی

یکی از مشکلات جدی در جهاد تبیین پرداخت نادرست به جوانب ارزش‌ها است. پیش‌تر اشاره شد که نداشتن تفکیک میان ارزش‌های انقلاب و چگونگی حرکت به سوی آن است، یکی از خطاها است. مخاطب باید بداند که آنچه در طول چند دهه گذشته رخ داده، لزوماً ارتباطی با انقلاب اسلامی ندارد. رای دادن در کشور، رای دادن به اهداف و اصول است و نه بی‌تحریکی و بی‌علاقگی و... که در برخی مسئولان برای حرکت به سوی این ارزش‌ها و یا پایبندی به آنها وجود داشته است. ارزش‌ها در یک نگاه کلی در نمودار زیر خود را نشان می‌دهند و بی‌تردید اکثریت مردم طرفدار کامل حرکت کشور مطابق این ارزش‌های مطرح شده در قانون اساسی و اسناد و برنامه‌های کشور هستند. آنها باید بدانند که اصل مشارکت به معنی طرفداری از این ارزش‌ها است و انتخاب افراد در گام بعدی معنی پیدا می‌کند. بعلاوه با مرور این ارزش‌ها متوجه می‌شویم که کمتر تلاش شده است تا در گفتگو با مخاطبین با نگاهی جامع به ارزش‌ها و اهمیت آنها پرداخته شود.



همانطور که اشاره شد باید عملکرد مسئولین از ارزش‌ها جدا شود و برای مخاطبان توضیح داده شود که البته تحقق این ارزش‌ها می‌تواند به چگونگی حرکت افراد در مسیر تحقق ارزش‌ها مربوط باشد.

انتخابات؛ عرصه حاکمیت وعده‌ها یا ارزش‌ها؟



گفتار ۲

به چه کسی رای دهیم؟

پیش از پاسخ دادن به مسأله مورد نظر، باید به چند نکته توجه داشت. نخست اینکه به نظر می‌رسد هم‌اکنون، حتی بخش قابل توجهی از جامعه مذهبی علاقه‌مند به نظام اسلامی نیز به دلیل پیچیدگی‌های موجود فضای انتخابات از تلاش محسوس برای اقدام در این راستا باز ایستاده‌اند و در عمل در فضای رقابت در وعده‌های جذّاب‌تر و قابل قبول‌تر حرکت می‌کنند. برای مثال از جمله مهم‌ترین موانع در برابر رأی‌دهندگان، دشواری شناسایی نامزد منتخب با اولویت دادن به ارزش‌هاست. عوامل گوناگونی موجب پیچیدگی این امر می‌شود. بیش از هر چیز، این موضوع از سوی برخی روشنفکران مطرح می‌شود که اگر مقصود از ارزش‌ها، مبانی، اصول و اهداف دین اسلام است، این اول مسأله است که مبتنی بر کدام تفسیر و خوانش از اسلام به این ارزش‌ها تمسک می‌کنیم. خارج از حیطه نظر، پیچیدگی‌های بیرونی‌ای نیز وجود دارد.

بارها مشاهده شده است که افراد در پذیرش اصول و فروع و ضروریات دین و لزوم اعتقاد پایبندی به آنها هیچ اختلاف نظری ندارند و چه بسا گفته می‌شود که پذیرش و اطمینان از پایبندی به این امور پیش‌تر توسط شورای نگهبان در مورد تمامی نامزدها تأیید

شده است. حتی یک گام فراتر، مشاهده می‌شود که در ادوار گوناگون انتخابات ریاست جمهوری، روحانیون رشدیافته در حوزه‌های علمیه توسط مردم انتخاب شده‌اند. با این حال هنگامی که به سیاست‌ها و عملکردهای آنان مراجعه می‌شود، تفاوت و تعارض‌ها پر تعداد و تعجب‌آورند. بنابراین با وجود این مانع مهم، چگونه می‌توان مبتنی بر نظام ارزش‌ها از انتخاب فردی اطمینان کسب نمود. اینجاست که به نظر موضوع حاکمیت ارزش‌ها با وعده‌ها می‌تواند کمک کند و در ادامه تلاش می‌شود به بخش مهمی از راهکارهای قابل طرح در این زمینه پرداخته شود.

اما پیش از آن، ممکن است به ذهن چنین خطور کند که در فضای کنونی که توجه مردم بیش از هر امر به معیشت و وضعیت اقتصاد کشور است، تأکید بر ارزش‌ها و حاکمیت آنها نمی‌تواند باعث جلب نظر مردم نسبت به شخصیت‌های پایبند به نظام و اهداف انقلاب اسلامی باشد. به نظر می‌رسد باید به چند نکته توجه داشت.

نخست. مراجعه و تأمل در تجربه ادوار گذشته انتخابات نشان می‌دهد که فروگذاری ارزش‌ها و تعریف نکردن وعده‌ها در دین چارچوب و بنابراین غلبه فضائی که نیازها و راه‌حل‌ها را مستقل از ارزش‌ها می‌بیند، سبب می‌شود تا نامزدهای دیگر به طرح وعده‌های ساختارشکنانه‌تر روی آورند و چنان‌که در بخش‌های قبل گذشت از قدرت مانور بیشتری از طریق عواطف، احساسات و هیجانات برخی از اқشار جامعه برخوردار شوند.

نکته دوم آنکه، در فضای تاکید بر ارزش‌ها، ویژگی و خصوصیتی وجود دارد و آن اینکه ارزش‌ها و پایبندی به ارزش‌ها قوی‌ترین ضمانت شناخت حقیقی مشکلات و نیازهای مردم، تدبیر و برنامه‌ریزی مناسب و همه‌جانبه برای آن، به کارگیری ابزارهای مشروع و استفاده از تمامی توان برای اجرای برنامه‌ها و... است.

نکته سوم آنکه، صد البته در جریان تلاش برای حاکم کردن ارزش‌ها بر فضا و فرایند کلی اقدامات انتخاباتی چه از سوی نهادها، سازمان‌ها و نهادهای مسئول و چه از سوی نامزدهای انتخابی در هنگام طرح برنامه‌ها یا نقد و نظرات‌شان و چه در هنگام تلاش و تبلیغی که از سوی گروه‌های مردمی در جهت کمک به تبیین ابعاد انتخابات صورت می‌گیرد، موانع متعددی وجود دارد. این موانع مسبوق به سابقه بوده‌اند و لازم است تا مجموعه‌ها یا افراد یاد شده، از پیش خود را برای هجمه‌های احتمالی برای تضعیف شأن و جایگاه توجه به ارزش‌ها آماده کنند. چنانکه در ادوار پیشین بارها در مناظرات، اقداماتی که از سوی نامزدها در جهت برقراری نسبت میان خود شخص و برنامه‌هایش با ارزش‌ها صورت گرفت و در مقابل افرادی با طعنه و کنایه این‌گونه اقدامات را با تعبیری چون شعارزدگی، بیانیه خواندن و... تقبیح نموده‌اند؛ چنانکه در برخی مناظرات این گفتمان را مورد تأکید قرار می‌دادند که «بیست سال است که بیانیه می‌خوانند و پدر کشور را درآوردید». ^۱ البته به نظر

۱. برای نمونه، رک: رهرو، جبلی و عظیمی فرد، تحلیل گفتمان انتقادی مناظره اقتصادی دو نامزد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ص ۸۹.

می‌رسد فضای حاکم بر کشور در جریان شهادت رئیس جمهوری که با روی دست گرفتن شعارهای انقلاب و اقدامات مخلصانه و خستگی‌ناپذیر، محبوب عموم مردم شده است، نمی‌تواند ظرفیت وسیعی را برای چنین اقداماتی محقق سازد؛ مگر آنکه در خلأ بهره‌مندی حداکثری از فضای موجود برای حاکم کردن ارزش‌ها بر فضای انتخابات، چنین امری موثر واقع شود.

اما با توجه به دو گانه تبیین شده در نوشته حاضر و ادله‌ای که نشان داد عملیاتی شدن وعده‌ها، به ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران که حرکت خود را در فضای ارزش محوری در قالب قانون اساسی و برنامه‌های کلی و سیاست‌های رهبری دنبال می‌کند، کاملاً وابسته به انتخاب فردی پایبند به ارزش‌ها و پشت‌کننده به وعده محوری است. از این رو در ادامه به دو راهکار کلی برای شناسایی نامزد مطلوب در این فضا، صرفاً به عنوان نمونه، اشاره می‌شود.

راهکار ۱. شناسایی نامزدها با تاکید بر شخصیت‌های تجربه‌شده و معیار

اما در مقام تبیین، تمامی گروه‌های دغدغه‌مند نسبت به ایران اسلامی و ارزش‌های انقلاب نیازمند راهکار و محتوا برای حاکم کردن ارزش‌ها بر فضای حاکم بر انتخابات دارند؛ و به نظر می‌رسد اقدام موثر و اساسی در شرایط کنونی را، طرحی که از آن در بخش‌های پیشین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، رهنمودهای امام راحل و رهبری عظیم‌الشان و تجربه‌های گذشته از آن سخن به میان آورد، باشد؛ که عبارت است از تبیین جوانب اصل به اثبات رسیده

و ضروری، یعنی «حاکمیت ارزش‌ها بر وعده‌ها» و همچنین تبیین آثار و نتایج آن.

الف. در بخش‌های قبلی توضیح داده شد که وعده‌محوری در فضای انتخابات چیست و چه نشانه‌هایی و آسیب‌هایی را به همراه دارد و در مقابل ارزش‌محوری در انتخابات چگونه و با توجه به چه ابعدادی رخ می‌نماید و چه پیامدهای مثبتی دارد. این دوگانه، ناظر به آنچه از استدلال‌ها و شواهد در بخش‌های پیشین ذکر شد، بیشترین تاثیر را بر فضای جامعه خواهد داشت و در صورت جا افتادن در فضای کشور، نامزدها و حامیان آنها که سود و منفعت خود را در فضای وعده‌محوری می‌بینند، کمتر به خود اجازه ورود به عرصه تحریف و تخریب و دست‌گذاوردن بر نقاط هیجانی می‌دهند و در صورت چنین شیطنتی، دیگر عوامل موثر با توجه به آمادگی ذهنی جامعه، امکان پاسخ به او را با توجه به این دوگانه و لزوم پرهیز از به حاشیه راندن ارزش‌ها را پیدا می‌کنند.

ب. صد البته این اعتقاد و گفتمان می‌تواند در کشور با کمک از مشی و عملکرد شهید رئیسی بر فضای انتخابات مستولی گردد. برای نمونه باید تبیین نمود که وی در دو دوره شرکت در انتخابات چه هدف، مشی و شیوه‌ای داشت و این مواجهه او با انتخابات با توجه به ایمان به اهمیت فضای ارزش‌محوری با هدف جلب اعتماد مردم به نظام و همچنین اجازه تشخیص منطقی و غیرهیجانی به آنها بود. البته نوشته حاضر در مقان بیان این موارد و مصادیق نبوده و صرفاً به دو مثال در چگونگی بهره‌مندی از شخصیت و اقدامات

شهید رئیسی در الگوی تبیینی پیشنهادی کتاب حاضر، اکتفا می‌شود.

- برای نمونه رئیس جمهور چرا وارد کارزار انتخابات می‌شود. شهید رئیسی نشان داد که حضور در صحنه انتخابات برای رضای خدا و به جهت تکلیفی که با توجه تجربه، تخصص و تدبیری که در خود احساس کرده، است. وی بارها در جمع اطرافیان گفته بودند که هیچ علاقه‌ای برای ورود به عرصه نداشته اما احساس تکلیف کرده و گرنه ایشان در قوه قضائیه نشسته بود و محبوبیتش هم هر روز بیشتر می‌شد اما وارد عرصه انتخابات برای دولتی شد که این حجم از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی را به ارث می‌برد، چنین اقدامی جز برای عمل به تکلیف معنای دیگری ندارد.^۱ این درحالی است که در فضای وعده محور، فرد با اتکای به نظرات دیگران و یا حمایت افراد، بدون اطمینان از امکان اصلاح امور جامعه و توانایی اش نسبت به این امر وارد انتخابات می‌شود.

- نمونه دیگر آنکه شهید رئیسی در طول زمان نامزدی و یا مسئولیت، برای هجمه‌ها و تهمت‌ها و... ارزشی قائل نبوده و بر برنامه‌ها و راه‌حل‌های خویش را مبتنی بر نگاه تخصصی و همه‌جانبه تمرکز خواهد داشت. چنانکه مردم بارها این سخن را از شهید رئیسی شنیده بودند که بنده به عنوان طلبه همواره سعی کرده‌ام در بین مردم و برای مردم باشم. من برای مردم، به هیچ عنوان به

1. <https://www.didbaniran.ir/109498/>

تهمت‌ها، تخریب‌ها و شایعات توجهی نخواهم کرد.^۱ بارها نقل می‌شود که پاسخ هیچ یک از تهمت‌ها را نمی‌داد و حتی به فردی که سواد او را، با وجود مدارک تحصیلی حوزوی و دانشگاهی، زیر سؤال برده بود، طلب مغفرت کرده است.^۲ اما فضای وعده محور، چنانکه در بخش‌های پیش اشاره شد، با اثبات خود و نفی دیگری معنا پیدا می‌کند.

ج. اقدام موثر دیگر آن است که عموم مردم در کشور بدانند که شهید رئیسی نشان داد که اگر پایبندی به ارزش‌ها باشد و وعده‌ها و برنامه‌های ذیل ارزش‌ها تعریف شود، آنگاه رئیس جمهور می‌تواند با اتکای به ارزش‌ها، رفتاری متمایز را از زمان معرفی خود به عنوان نامزد انتخابات تا خدمت به مردم در صورت کسب آراء، به نمایش گذارد. اقدامی که به جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام به عنوان مهم‌ترین عامل موثر بر مشارکت در شرایط کنونی کمک فراوانی می‌کند و همچنین می‌تواند مقدمه‌ای برای شناسایی فرد اصلح توسط مردم باشد. در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. بر اساس ارزش‌ها، امور با اولویت نیازمردم دنبال می‌شود. اقدامی که موجب شد تا شهید رئیسی به فکر کلنگ زنی پروژه‌های جدید نباشد و بیش از هر امری به تکمیل اقدامات از پیش وعده‌داده شده و مورد انتظار و تعقیب مردم اقدام کند. اما در نگاه وعده‌محور، وعده‌هایی جدید و جذاب باید داده شود. همچنین خواست گروهی

۱ <https://www.seratnews.com/fa/news/362558>

2. <https://setad-abm.ir/fa/news/13408>

و حزبی در اقدام به هر پروژه و کاری، در اولویت قرار خواهد گرفت. در فضای نخست، رئیس جمهور کار را پیش خواهد برد و حتی تعریف و تمجید احزاب سیاسی و گروه‌های مردمی و تقبیح و سرزنش دیگران به تغییری در نگرش و تصمیم او ایجاد نخواهد کرد اما در فضای وعده محور، وی حیثیت و جایگاه خود را بر عمل درست مقدم خواهد کرد.

۲. بر اساس ارزش‌ها، پست و مقام برای رئیس جمهور، بی‌ارزش و امری متعفن است. این نگاه سبب می‌شود تا در تعامل با دیگر نهادهای مسئول هیچ تکبر و غرور را کنار زده و در عین حال که نسبت به انجام صحیح عمل خود حساس خواهد بود اما نتیجه را به خداوند واگذار خواهد کرد و وارد مجادلاتی باعث هزینه برای کشور بشود، نخواهد شد. در تعامل با مردم نیز وی خود را پایین‌تر از مردم تصور خواهد کرد و همنشینی و مؤانست با مردم را به طور مستمر دنبال خواهد کرد و حال و وضعیت مردم در هر لحظه را دنبال خواهد کرد. همچنانکه ساده‌زیستی و زندگی مثل پایین‌ترین طبقه جامعه در تمامی عرصه‌های زندگی او پدیدار خواهد شد و به هیچ مزیتی و برتری برای خود نسبت به مردم عادی راضی نخواهد شد. اما در نگاه وعده محور، فرد خود را در نگاه مردم و جایگاهی که از بخشی از مردم با انتظارات خاصی گرفته، تعریف می‌کند. بنابراین برای تحقق خواست خویش، از مجادله‌ها پرهیزی ندارد. همچنانکه تلاشی برای نشست و برخاست با همه گروه‌ها در او مشاهده نمی‌شود.

۳. مبتنی بر ارزش‌ها، از یک‌سو در مرزبندی با دشمن بسیار جدی و نترس و حساس و حساب‌شده عمل خواهد کرد و در عین حال در حفاظت از عزت مردم و حقوق آنها ذره‌ای کوتاه نخواهد آمد. برای وی خود او وعده‌هایی که داده است و جایگاهی که نزد مردم دارد در اولویت قرار ندارد. او به مردم قولی بر اساس نظر کارشناسی داده است و اگر مانعی به وجود آید با تمام توان درصدد حل آن خواهد بود؛ اما در صورتی که حل مانع به خواهش و تمنا از دشمنان و یا ترضیع حق بخشی از مردم مشروط شود، هرگز دست به اقدام نخواهد زد. در مقابل، عزت ملی و حقوق مردم برای کسی که در فضای وعده محوری حرکت می‌کند تا جایی ارزشمند است که طبقه خاصی و حزب خاصی او را ارجمند بشمارند اما اگر جایگاه او با خطر مواجه شود، از آن کوتاه خواهد آمد.

د. روش موثر دیگر توجه به آسیب‌ها و تهدیدهای تجربه شده توسط دولت‌هایی است که خود را در فضای وعده محوری تعریف کردند و در این فضا موفق به کسب آراء مردم شدند. البته به طور تفصیلی در بخش گذشته توضیح داده شد که آنها به دلیل غلبه دادن به وعده‌ها از انجام بسیاری از همان وعده‌ها نیز ناتوان خواهند بود. اما نفس جدا کردن خود از ارزش‌ها چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد. تبیین این امور می‌تواند کمک کند که در صورت روی کار آمدن فرد یادشده:

- عقاید و باورهای دینی در همه سطوح اجتماعی، علمی و سیاسی، امکان ظهور و بروز و تحقق نخواهد داشت و در این

- امور عرف و عقلانیت جمعی محوریت خواهد یافت.
- اصل به هم‌نویسی و همخوانی سیاست‌ها و عملکردها با مسیر و جهت کلی حرکت پیشرفت در دنیا خواهد بود.
- توسعه اقتصادی و رفاه و راحت‌طلبی محور اصلی حرکت قرار گرفته و مسائل دیگر در حاشیه قرار خواهند گرفت.
- نسبت به برنامه‌ها و الگوها یا اهداف میان مدت تعیین شده برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، بی‌اعتنایی صورت خواهد گرفت.
- مشی دغدغه‌مند و دلسوز نظام اسلامی که تلاش می‌کند با حفظ حضورش در صحنه از سوءاستفاده، فساد، انحراف و... جلوگیری کند، با القابی چون تندرو و افراطی به حاشیه برده می‌شود.
- بر ابعاد نقش دین در حوزه خصوصی تأکید می‌شود و تلاش می‌شود در حوزه عمومی قانون محوریت یابد و تفسیری از دین که آن را محدود و ناتوان در مسائل اجتماعی نشان می‌دهد، ملاک عمل قرار گیرد.
- جنبه معنوی و قدسی از الگوهای نظام اسلامی چون امام خمینی و امام خامنه‌ای گرفته شده و عناصر مهم در حرکت این الگوها چون توکل و اعتماد به وعده‌های خداوند و مثل آن، در پس عقلانیت به حاشیه می‌رود.

راهکار ۲. نوع مواجهه با موضوعات در دو سطح ارزش محوری و

وعده محوری

رهکار مهم دیگر مقایسه‌ای است که برای شناسایی نامزدها بر اساس مقایسه و تطبیق صورت می‌گیرد. این مقایسه در سه بخش قابل انجام است.

۱. نوع مواجهه با مشکلات از قبیل تورم، فاصله طبقاتی و....

در فضای وعده محور	در فضای ارزش محور
<ul style="list-style-type: none">• فراتر رفتن از ظرفیت های قانونی و نگاه آرمانی و غیرقابل اجرا• توجه بیشتر به قصور و تقصیر های صورت گرفته و توییح صرف افراد باعث و بانی مشکلات• ارائه راهکارهای کلی و مبهم و یا احاله دادن به برنامه جزئی نا معلوم• توضیح صرف فرایند های حل مشکل بدون روشن بودن نتایج• نگاه سطحی و شعارگونه با مشکل و محوریت دادن به یک بُعد آن	<ul style="list-style-type: none">• شناخت ظرفیت های قانونی برای حل مشکل و مواجهه واقع گرایانه• توجه به ریشه های اساسی شکل گیری مشکل و برنامه اساسی برای حل مشکل• توجه به راهکارهای جزئی و مشخص در حل مشکل• روشن کردن نتیجه و محصول نهایی در جهت حل مشکل• نگاه جامع و متوازن به همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با یک مشکل

۲. نوع مواجهه با اقشار گوناگون مردم

در فضای وعده محور

- ناچیز انگاشتن اقدامات صورت گرفته و تاکید بی جا بر شروع توانمند کردن یک قشر
- صرفاً از اقشار و ویژگی های کلی آنها نام بردن برای جلب توجه آنان
- شناخت سطحی و غیر واقعی از همه مصادیق و تاکید بر بخش خاصی از آن قشر
- کلی گویی درمورد مشکل یک قشر و عدم ارتباط ملموس با یک قشر
- طرح گلابیه هایی از زبان قشر همراه با غلو و خود را و نه برنامه را محور نجات یک قشر پنداشتن

در فضای ارزش محور

- شناخت اقداماتی که در گذشته برای آن قشر صورت گرفته و چگونگی تداوم یا تغییر رویکردها
- اصل مشکلات آن طبقه است و نه یادآوری از نام آنها
- شناخت درستی از کمیت و کیفیت مشکل آن قشر
- اشاره به جزئیات نشان دهند درک مشکل یک قشر و ارتباط داشتن با آنها
- راه حل های مشخص و روشن برای حل مشکلات آن قشر مطرح می شود

۳. نشانه‌های تحرکات ارزش محور نامزدها و حامیان شان و

تحرکات وعده محور

در فضای وعده محور	در فضای ارزش محور
<ul style="list-style-type: none">• تصویرسازی منفی و لقب‌سازی برای طرف مقابل• بحران‌سازی از وضعیت کشور• دامن زدن به فضای شایعات• زمینه‌سازی دخالت بیگانگان در فضای انتخابات• جهت دادن به رویدادها صرفاً به پسند مردم• وعده‌های مبهم اما تحریک‌کننده• بسترآفرینی نقش‌آفرینی گروه‌های معاند نظام• ایجاد فضای خودی و غیرخودی و دو قطبی‌سازی	<ul style="list-style-type: none">• نقد سازنده و توصیف حقیقی از عملکرد طرف مقابل• تأکید بر قوام و ثبات در عین لزوم اصلاح• تمرکز بر موضوعات اصی و بی‌توجهی به شایعات• جلوگیری از دخالت بیگانگان در فضای انتخابات• تبیین رویدادها به پسند خداوند در جهت حل نیاز مردم• وعده‌های بر پایه برنامه و پیش‌بینی اجرا• تأکید بر مرزبندی با گروه‌های معاند• نظر داشتن به عموم مردم جامعه و تعهد نسبت به عموم طبقات

پیوست ۱. جمع بندی نموداری (قابل ارائه به صورت سخنرانی و

قالب‌های مشابه)

تاکید می‌شود که بهره مندی از این دسته مندی منوط به مطالعه کامل کتابچه است.

مشکل چیست؟

1. انتخابات با همه ثمرات شگرف، می‌تواند آفت‌هایی را در حین برگزاری و آسیب‌هایی را برای کشور به دنبال داشته باشد.
2. اطمینان لازم از مشارکت حداکثری و انتخاب فرد اصلاح‌در انتخابات‌ها وجود ندارد.

* دلیل: غفلت از تجربه‌های پیشین انتخابات

به دلیل: 1. مشغولیت عموم افراد و گروه‌های موثر در رقابت‌های انتخاباتی
2. مشغولیت اهل فکر و نظر به توصیف و تحلیل ما وقع انتخاباتی
3. کم‌توجهی به ساختارها و ساز و کارهای سیاسی و اجتماعی غربی

* چینی انتخابات: مظهری از مردم‌سالاری دینی به عنوان مبنای مشارکت مردم در اداره کشور و حرکت اجتماعی به سوی سعادت دنیوی و اخروی

مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد

چه نسبتی میان مردم‌سالاری دینی و انتخابات در ایران وجود دارد؟

بر اساس مبانی اسلامی و معارف قرآنی و اهل بی‌ت خداوند منشأ اصلی قدرت قانونگذاری است و انسان نیز موجودی آزاد و دارای اراده و مسئولیت است؛ بنابراین نقش مردم در چارچوب حاکمیت الهی موجب سعادت می‌شود

انتخابات در کشور ایران از آفت‌های متعددی چون فضای درگیری و اختلاف، هیجانات کاذب و... رنج می‌برد و گاه به بی‌اعتمادی بخشی از جامعه و بنابراین، عدم مشارکت حداکثری و یا عدم قدرت در تصمیم‌گیری صحیح و بنابراین، عدم انتخاب فرد اصلاح‌منجر می‌شود

نتیجه‌آنگه

با توجه به اثبات عقلانی و منطقی مردم‌سالاری دینی، تحوّل باید در مورد سازوکار و فضای حاکم بر انتخابات صورت گیرد تا شاهد مشکلات یاد شده نباشیم.

* شایان ذکر است که قوانین و رهنمودهای رهبری همواره در جهت جلوگیری از آفت‌ها و آسیب‌های موجود در انتخابات بوده است و می‌توان گفت در جلوگیری از فساد و از هم‌پاشیدگی اعتماد و انسجام عمومی در حد وسیع، موفق بوده است؛ اما همچنان ضعف‌ها را نمی‌توان کتمان نمود.

ریشه مشکل کجاست؟

- * شباهت هایی که میان فضای انتخاباتی ایران با انتخابات در کشورهای دیگر وجود دارد
1. انتخابات عرصه مبارزه و دیگری بی حد و حصر نامزدها، حامیان و هوادارن آنها
 2. انتخابات عرصه بهره مندی از همه ابزارها برای کسب قدرت و کسب مقام و ریاست
 3. انتخابات عرصه تحقق منافع و خواسته های مشروع و گاه غیرمشروع حزبی و گروهی
 4. انتخابات عرصه ایجاد تقابل و دو دستی و سوار شدن بر موج هیجانات و عواطف
 5. انتخابات عرصه برجسته شدن نقص ها و همچنین نیازهای مادی و دنیوی



فرهنگ غرب

1. اصالت دادن به انسان و نیازهای او
 2. مستقل از خداوند و اطاعت از او
- نسبت به جامعه و انقطاع از معارف الهی

جاری شدن
آن در فضای کشور

- رسانه های خارجی و داخلی
- حمایت غرب گرایان
- و...

تأثیر گذاری
بر اقدار گوناگون

- تصویر موجه و مطلوبی از دین وجود ندارد
- تصویر مطلوبی از نقش مردم در کشور وجود ندارد
- امید و اعتماد لایزال برای حرکت و پیشرفت کشور وجود ندارد

- خاموش کردن فطرت و عقلانیت مطلوب
و محوریت دادن به نیازهای محدود مادی

- ثمره: ضمانتی غیر انسانی برای برقراری اخلاق، عدالت،
محبت و انسجام اجتماعی، وجود ندارد.

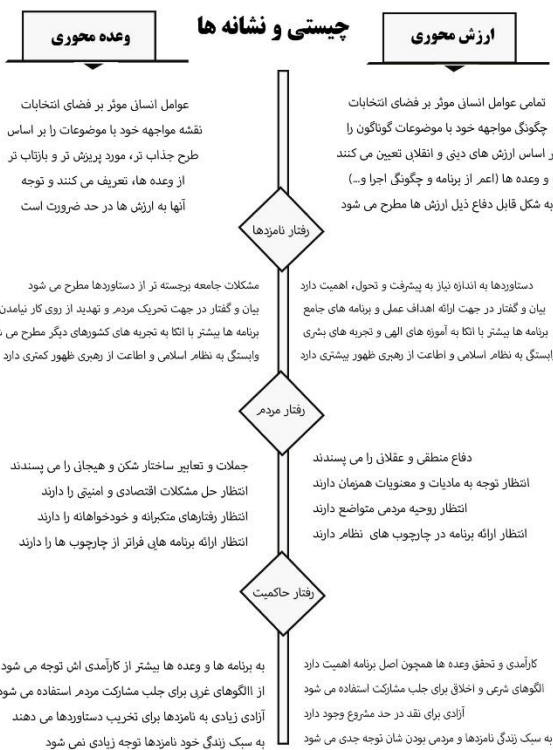
نتیجه آنگاه

شرایط و وضعیت به سمت و سویی حرکت می کند که امکان تهی شدن قضا و رفتارهای انتخاباتی از ارزش ها کاملا وجود دارد.

* بنابراین راه حل در حاکمیت مجدد ارزش ها بر فضای انتخابات است

(اگر دستاورد فرهنگ غرب در برگزاری انتخابات را «وعده محوری» یعنی هرگونه تلاش متکی بر مبانی یاد شده و از طریق هر ابزاری برای کسب قدرت و در جهت منافع حزبی یا گروهی به ویژه با اتکا به حل نیازهای اساسی دنیوی بشر (که خود را طرح و بسط وعده های انتخاباتی نشان می دهد) بدانیم، هدف باید حاکمیت ارزش ها بر وعده ها در معنای یاد شده باشد. اما چرا؟

انتخابات؛ عرصه حاکمیت وعده‌ها یا ارزش‌ها؟

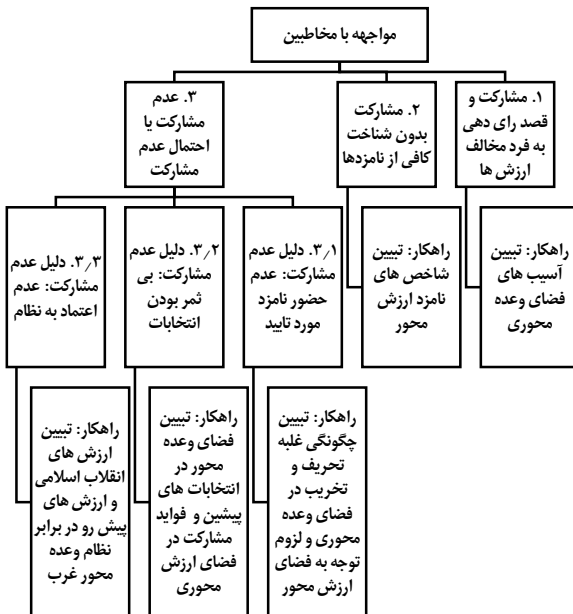


وعده محوری	مقایسه پیامدها و نتایج	ارزش محوری
<p>در فضای محوریت یافتن وعده های اقتصادی و اجتماعی آنچه در گذشته انجام شده، با صورتی حداقلی مطرح می شود و بر ضرورت استفاده از آخرین فرصت ها برای عبور از مشکلات طاقت فرسا و آغازی دوباره تاکید می شود</p>	<p>با محوریت دادن به وعده ها هیچ تضمینی برای تحقق قطعی برنامه ها وجود ندارد. زیرا اصل و اساس برنامه منطقی و تجربه شده است. انکای لازم به کمک خداوند نمی شود. افراد از خستگی ناپذیری روحیه جهادی نیز برخوردار نیستند تا وعده ها تا حد ممکن محقق شود. به اتفاقات یکباره و بهانه تراشی ها در وعده ها اکتفا می شود. به ویژه وعده ها خارج از چارچوب های نظام مطرح می شود و عملا قوانین اجازه تحقق کامل وعده ها را نخواهند دارد</p>	<p>در فضای ارزش محوری به سبب آنکه دستاوردهای انقلاب مهم و قابل افتخار دانسته می شود، به طرح گسترده آنها توجه می شود و ناظر به راه های نرفته بر لزوم همراهی و حرکت مردم در تداوم مسیر تاکید می شود.</p>
<p>به درک مردم احترام لازم گذاشته نمی شود تلاش می شود تا با کلمات اغوا کننده و از طریق هیجانانگیز رای مردم بدست آورده شود</p>	<p>نتیجه این فضا و نگاه</p>	<p>به درک جامعه توجه جدی می شود و طرح برنامه ها، مبتنی بر پیش بینی های لازم، با انکای به تخصص و تعهد درگزار یکدیگر و روحیه خستگی ناپذیری، مورد تاکید قرار می گیرد</p>
<p>کاهش اعتماد عمومی و مشارکت حداقلی کاهش قدرت تصمیم گیری و عدم انتخاب اصلح</p>		<p>افزایش اعتماد عمومی و مشارکت حداکثری افزایش قدرت تصمیم گیری و انتخاب اصلح</p>

پیوست ۲: بهره مندی از محتوای کتابچه در ارتباط چهره به

چهره

مطابق آنچه در فصل سوم گذشت، پاسخ ابتدایی و البته متناسب با فضای ذهنی مخاطب، در همه موارد زیر، توضیحی است که درباره دوگانه ارزش محوری و وعده محوری و چیستی و ریشه‌ها و نمودهای آن در جامعه داده می‌شود. سپس می‌توان بر مواردی که در نمودار ذکر شده نیز، متناسب با تصور مخاطب از مشارکت و یا انتخاب فرد مورد نظرش، استفاده کرد.



پیوست ۳: مواجهه رسانه‌ای با الگوی «حاکمیت ارزش‌ها یا وعده‌ها»

رسانه‌ها نیز به طور خاص نقش ویژه‌ای در بها دادن به حاکمیت فضای ارزش‌ها در هنگام برگزاری برنامه‌های انتخاباتی با حضور نامزدها دارند. در ادامه، صرفاً به عنوان نمونه روش‌هایی برای اقدام در گفتگوها و پرسش از نامزدها و حامیان آنها مبتنی بر فضای ارزش محور ذکر می‌شود. به عبارت دیگر نوع مواجهه کلی با نامزدها، موضوع مباحث، پرسش‌ها و... می‌تواند به شکلی باشد که مردم را نسبت به میزان پایبندی افراد به ارزش‌ها و نه صرفاً حرکت مطابق وعده‌ها، مطمئن سازد.

* این اقدام می‌تواند بر تمرکز بر خود ارزش‌ها باشد؛ برای نمونه در مردم چنین انتظاری به وجود آید که منتخب شان:

- به سرنوشت و سعادت مردم اهمیت داده و کشور را به سمت استقلال و عدم وابستگی سوق دهد و این امور را تحت الشعاع وعده‌های خود قرار ندهد.
- خود را پایبند به تمامی مقررات، برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها بداند و در تصویب یا ابلاغ اسناد و برنامه‌ها مطابق نظر و وعده‌های مبتنی بر نظرات گروهی و حزبی، عمل نکند.
- فضای کشور به جای توجه صرف بر عوامل مادی مؤثر در پیشرفت انقلاب، توجه به توکل، حسن خلق و اعتماد به خدا داشته باشد و اینگونه نباشد که با احتیاط بیش از حد در دفاع از حقوق مردم ایران و مسلمانان جهان حرکت کند.

- دین و شریعت را بستر حرکت خود بدانند و اینگونه نباشد که عقلانیت حاکم بر جهان را بر ارزش‌های دینی مقدم کند.
- ...
- * اقدام مهم دیگر مواجهه و پرسش از مسئولین چستی و چگونه برنامه‌شان در راستای اهداف میان‌مدت یا بلندمدتی که تحقق ارزش‌ها در جامعه بدان بستگی دارد، باشد؛ همچون:
- برنامه‌های مشخص در دستگیری از مستضعفان و محرومان.
- برنامه‌های مشخص برای اتکا به تولید داخلی.
- برنامه مشخص برای ارتقاء علوم انسانی اسلامی.
- برنامه مشخص برای تقویت جبهه مقاومت در منطقه.
- برنامه مشخص برای زیربار زور نرفتن در مذاکرات.
- ...
- * اقدام سوم، کمک به مردم در جهت شناسایی مشی و سیره عملی یا به عبارتی روش‌هایی باشد که منتخب مردم دنبال می‌کند. مردم می‌خواهند بدانند که شخص:
- در رفاه مطلق زندگی می‌کند یا مثل طبقه متوسط یا ضعیف.
- ساعات کاری برای خود تعیین می‌کند یا شبانه روزی در خدمت مردم است.
- خود را در دسترس مردم قرار می‌دهد یا امکان حضور نزد مردم را محدود می‌کند.
- ...
- * اقدام چهارم کمک به مردم در جهت شناخت میزان پایبندی

به خواسته‌ها و دستورات رهبری در موضوعات گوناگون مورد تاکید
معظم له، همچون:

- امنیت کامل و خودکفایی در تولید محصولات پایه غذایی .
- مانع تراشی ذی نفعان واردات و جلوگیری از کاهش وابستگی
در کالاهای اساسی.
- پرهیز از گره زدن اقتصاد کشور به تحریم‌های آمریکا و بیان اینکه
تا تحریم است وضع همین است.
- استفاده از درآمدهای نفتی در جهت زیرساختهای کشور و
محکم کردن بنیانها و ریشه‌دار کردن اقتصاد
- ... و

* اقدام پنجم پرسش از نسبی که نامزدها با شخصیت‌های تراز
و ارزش مدار در جمهوری اسلامی و ناظر به ویژگی‌های خاص
آنان، تعریف می‌کنند.

- شهید رئیسی و خستگی ناپذیری
- شهید سلمیانی و ولایت‌مداری
- ... و

* اقدام ششم پرسش از نسبی که نامزدها از تفکرشان با
موضوعاتی که غرب مبتنی بر نگاه عرفی در اسناد بین‌المللی دنبال
می‌کند و بر روی آن تاکید دارد و برخلاف ارزش‌های اسلامی است.

- اسناد آموزش و پرورش
- اسناد مالی و حقوقی
- اسناد حقوق بشر

- و...

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

اخضریان کاشانی، محمدرضا و رشید جعفرپور، جریان شناسی سیاسی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، جامعه شناسی سیاسی ایران، پاییز ۱۴۰۰.

ارمغان؛ دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

اسفندیار، رجبعلی، مولفه‌ها و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.

امام خمینی، روح الله، انتخابات در اندیشه امام خمینی، ۱۳۹۴.
امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.

امام خمینی، روح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

انتخاب صالحان: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دامنه‌ای درباره‌ی انتخابات، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

ایزدهی، سیدسجاد، مشارکت سیاسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید، ۱۳۷۳.
آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار،

۱۳۸۳.

بابی، سعید و دیگران، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی،
موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

باریبه، موریس، دین و سیاست در اندیشه مدرن، انتشارات قصیده سرا،
۱۳۸۴.

بشله، ژان، دموکراسی، ترجمه سعید کامران، نشر آگه، ۱۳۹۹.
بشیریبه، حسین، دیباچه‌ای بر جامعه شناسی ایران دوره جمهوری
اسلامی ایران، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.

بیانات امام خمینی^ع، دسترسی در: در تاریخ ۱۴۰۲/۳/۲.
بیانات مقام معظم رهبری، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/>

پارسانیا، حمید، حدیث پیمان، نشر معارف، ۱۳۹۶.
پورعلی گنجی، محمود، گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران،
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.

دلیر، بهرام، الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه، تهران: سازمان
انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
رستگارپور و دیگران، هیجان و نقش آن در انتخاب سیاسی، پژوهش‌های
راهبردی سیاست، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ۱۴۰۲.

رسولی، امیر ابراهیم و محمدرضا اخضریان، اخلاق انتخاباتی در اندیشه
امام خمینی^ع، پژوهشنامه متین، زمستان ۱۳۹۰.

رنجبران، داود، بیعت و مشارکت سیاسی در اسلام، نشر معارف، ۱۴۰۰.
رهرو، حمیدرضا، پیمان جبلی و فاطمه عظیمی فرد، تحلیل گفتمان
انتقادی مناظره اقتصادی دو نامزد سیزدهمین دوره انتخابات
ریاست جمهوری، رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۱۶، شماره
۴۳، ۱۴۰۱.

زمخسری، محمود بن عمر، الکشاف، انتشارات بلاغت، ۱۳۷۳.

شریعتی، انتخابات از نگاه فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
۱۳۹۴.

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری
اسلامی ایران، تهران، اداره کل امور مجلس شورای اسلامی،
۱۳۶۹.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان، اسماعیلیان، دار الکتب الاسلامیة،
بی‌تا.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، بی‌تا.
طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم،
بیروت، بی‌تا.

عشایری، طاها و دیگران، شعار انتخاباتی دولت‌های پسا انقلاب
اسلامی ایران، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۷، ۱۳۹۹.

عظیمی، فخرالدین، دموکرسی و پوپولیسم، انتشارات آگاه، ۱۴۰۲.
فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، پژوهشکده امام
خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

فوزی، یحیی، تحولات سیاسی — اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در
ایران (۱۳۵۷—۱۳۸۰)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام،
۱۳۸۵.

قیصری، انتخابات و بسیج منابع؛ الگویی نظری در تبیین رقابت
انتخاباتی، سیاست دوره ۵۳، تابستان ۱۴۰۲.

گودین، رابرت و چارلز تیلی، تحلیل سیاسی با تکیه بر شرایط و زمینه‌ها،
دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.

لیپست، سیمور مارتین، انسان سیاسی، ترجمه فریبرز مجیدی، سازمان
سمت، ۱۳۹۹.

محمدزاده راوندی، مهدی و محسن نیازی، تحلیل الگوی فضائل عوامل
مؤثر بر مشارکت سیاسی انتخابات در ایران، آمایش محیط سال

شانزدهم بهار ۱۴۰۲.

مصباح یزدی، محمدتقی و محمدجواد نوروزی، مردم سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، انتشارات مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
مونک، یاشا، مردم علیه دموکراسی، ترجمه امیر حاج، نشر کتاب پارسه، ۱۴۰۱.

میرزایی اهرنجانی، حسن، نقش و جایگاه ارزش‌ها در مدیریت راهبردی، مطالعات دفاعی استراتژیک، بهار ۱۳۸۴.
نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۱ق.

Birch, Sarah, Our New voters: Brexit, Political Mobilisation and the Emerging Elgectoral cleavaye, 2016.

Caughell, Leslie, when playing the womax card is playing trump: Assessint the efficacy of Framing Campaigns as Historic, 2016.

Jones, Jennifer, J, Talk "Like a Man": the Linguistic styles of Hillary Clinton, 2016.

<https://aftabnews.ir/fa/news/8672>

<https://fararu.com/fa/news/635357>

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=>

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4167>

<https://Khl.ink/f/47908>

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91088>

<https://setad-abm.ir/fa/news/13408>

<https://www.didbaniran.ir/109498>

<https://www.pishkhan.com/news/200946>

<https://www.seratnews.com/fa/news/362558>